

فصل اول:

گذری به استان کرمان

بخش اول (۱-۱) کلیات

۱-۱-۱- موقعیت استان کرمان:

کشور ما ایران در ناحیه‌ای کویری و کم باران قرار گرفته است که تابش آفتاب در آن فراوان است و بارش باران کم، اما در این سرزمین کم باران چشم‌اندازهای کم‌نظیر و شگفتیهای خاص مناطق گرمسیر به شکل زیبایی پرورده شده است.

کرمان یکی از همین مناطق کویری، اما پربرکت کشور ماست.

«استان کرمان بعد از خراسان دومین استان پهناور کشور است و حدود ۱۱ درصد از خاک ایران را دربر گرفته است. مساحت آن حدود ۱۷۵۰۶۹ کیلومتر مربع است. موقعیت نسبی این استان به گونه‌ای است که از شمال با استان‌های خراسان و یزد، از جنوب با استان هرمزگان، از شرق با سیستان و بلوچستان و از غرب با استان فارس هم‌مرز بوده است.^۱» (تصویر شماره ۱-۱)

نشانگر موقعیت جغرافیایی استان کرمان در نقشه ایران است. شهرستان کرمان از جنوب به شهرستان جیرفت، از جنوب شرقی به شهرستان بم از

۱- زنده‌دل - حسن - مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی شماره ۱۸ - تهران انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - ۱۳۷۷ - ص ۲۵.

جنوب غربی به شهرستان بردسیر از غرب به رفسنجان، از شمال غربی زرنند و از شمال به شهرستان راور محدود می‌شود. (تصور شماره ۱-۲) نشانگر موقعیت جغرافیایی شهر کرمان در استان کرمان است.

آب و هوای کرمان به علت وجود ارتفاعات متغیر است و باران سالانه آن بسیار کم است.

این استان یکی از مرتفع‌ترین استانهای کشور است. کرمان از اولین شهرهای ایران است که به علت مهارت بالا بافندگان آن در ریسندگی و بافندگی مورد توجه شرکتهای خارجی قرار گرفته است.

تصویر (۱-۱)

موقعیت استان کرمان در نقشه ایران

(تصویر ۱-۲) نقشه استان کرمان

۱-۱-۲- جغرافیای طبیعی و اقلیم استان کرمان:

استان کرمان در جنوب شرقی ایران قرار گرفته است و ارتفاعات آن دنباله رشته کوه‌های مرکزی ایران است که از چین خوردگی‌های آتشفشانی آذربایجان شروع می‌شود و تا بلوچستان امتداد دارد و دنباله آن چند بار در فلات مرکزی به وسیله حوزه‌های پست داخلی و کویر قطع می‌شود.

وجود ارتفاعات و پستی و بلندیهای در منطقه و شرایط خاص اقلیمی، آب و هوای متفاوتی در نواحی مختلف استان به وجود آورده است. نواحی شما و شمال غربی و مرکزی دارای آب و هوای گرم و نسبتاً مرطوب دارد.

«استان کرمان تحت تأثیر بادهای مختلف برون منطقه‌ای و محلی است.

وزش این بادهای، آب و هوای آن را دستخوش تحولات و تغییرات قابل توجهی می‌کند. این بادهای به طور عمده از نوع بادهای موسمی خشک است و در ماههای اسفند، فروردین و اردیبهشت می‌وزد و جهت وزش آنها از جنوب غربی به طرف شمال شرقی و مشرق است. این بادهای انبوهی از خاک و شن با خود به طرف شهر کرمان می‌آورد و سبب تقلیل رطوبت نسبی هوا می‌شود. همچنین بادهای غربی و شمال غربی باعث ریزش باران در زمستان و بهار می‌شود.^۲»

مهمترین رشته کوههای آن لاله‌زار، هزار بحر آسمان، جبال بارز و شهسواران است.

۱-۳- جغرافیای تاریخی استان کرمان:

«سابقه سکونت و استقرار انسان در دیار کرمان به هزاره چهارم ق.م می‌رسد. این منطقه یکی از قدیمی‌ترین نواحی ایران به‌شمار می‌رود و در گذر زمان،

2- زنده دل - حسن - مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی شماره ۱۸ ص ۲۷.

گنجینه‌های فرهنگی تاریخی گرانبهایی در آن پدید آمده است که نمایانگر روند تاریخی و حیات اقتصادی - اجتماعی آن است. وجود هر فضای تاریخی در کرمان بیانگر بخشی از زوایا و ابعاد زندگی مردم و حکومت‌های این مرزوبوم است.^۳

به استناد تاریخ عرب و یهود، کرمان منسوب به «کرمان بن هیتال بن ارفحشد بن سام بن نوح» است و نام آن در کتیبه بیستون به صورت «یوتیه» ذکر شده است.

کرمان را محل زندگی کریمان - پدر نریمان. جد رستم می‌دانند. لذا منسوب به وی این منطقه را کرمان نام نهادند. کرمان از دو کلمه (کار+مان) به معنی «محل جنگ و نبرد» یا «جایگاه رزمندگان و رزم‌آوران» تشکیل می‌شود.

«کوره اردشیر» یا گواشیر نام دیگر شهر کرمان است که معنی شهر اردشیر را می‌دهد.

در روایت دیگری می‌گویند به مناسبت اینکه «آغاز محمدخان» دو هزار نفر را کور کرد این شهر را «شهر کوران» نام نهاده‌اند. اما از لحاظ بررسی تاریخی نام کرمان را در سنگ نوشته‌های داریوش می‌توان دید. در آن جا کرمان نام ناحیه‌ای است که از آن چوب (یاک) برای کاخهای هخامنشی حمل می‌شود.

3- همان منبع پیشین، ص ۲۷ - ۲۸

نوشته‌های یونانی هم آن را کرمان خوانده و مردم کرمان را تیره‌ای از پارسیان گفته‌اند.

«در دوره ساسانیان فرمانروای کرمان، عنوان شاه داشت، چنانکه بهرام چهارم (۳۸۸-۳۸۹ م.) به مناسبت اینکه پدرش والی کرمان بود به کرمانشاه (شاه کرمان) معروف بود. در این دوره سیرجان مهمترین ناحیه کرمان محسوب می‌شد. بعدها کرمان به تصرف سامانیان درآمد و بعد از آن به تصرف «آلب ارسلان» سلجوقی درآمد و وی مؤسس سلاجقه کرمان شد.^۴»

در سال ۵۸۳ هـ.ق. غزان بر کرمان مسلط شدند و زرنند را موقتاً مرکز ایالت خود قرار دادند و در سال ۶۱۹ هـ.ق (قتلخ‌خان) از امرای خوارزمشاهی بر کرمان استیلا یافت و رسماً سلسله قراخانیان را بنیان گذاشت. در زمان حکومت این سلسله بود که مارکوپولو سیاح معروف ونیزی از کرمان دیدن کرد.^۵»

بعد از آن به دست سلسله آن مظفر افتاد و سپس تیموریان و پس از این، سلسله‌های قراقویونلو و آق‌قویونلو به ترتیب کرمان را تصرف کردند. مقارن ظهور شاه اسماعیل اول مؤسس سلسله صفویه (۹۰۵ - ۹۰۳ هـ.ق) کرمان در تصرف پسران سلطان حسین بایقرا بود. شاه اسماعیل بدون مقاومت این شهر

4- همان منبع پیشین - ص ۲۸-۳۱.

5- ادواردز - سیسل - قالی ایران - ترجمه میهن‌دخت صبا - تهران - نشر و فرهنگسرا - ۱۳۶۸ - ص ۲۲۴.

را به تصرف درآورد. از این تاریخ به بعد تا پایان سلسله صفویه کرمان قرین امنیت و آسایش بود. گنجعلی خان یکی از معروفترین حکام دوره صفوی است که در مدت مأموریت خود در کرمان نسبت به آبادی و عمران آنجا سعی و کوشش زیاد کرد و آثار زیادی در آن شهر از خود به یادگاری گذاشته است. محمود افغان برای بار دوم در سال ۱۱۳۲ هـ.ق. از راه سیستان به کرمان تاخت و پس از استیلا بر آن از طریق یزد راهی اصفهان شد. پس از دفع اشرف افغان توسط نادر و خلع شاه طهماسب دوم از سلطنت، کرمان مانند سایر مناطق ایران به تصرف نادر مؤسس سلسله «افشاریه» درآمد. بعد از کشته شدن نادر، کرمان دستخوش هرج و مرج شده و به وسیله افغانها و بلوچها تاراج شد و سپس به دست کریم خان زند مؤسس سلسله زندیه (۱۱۶۳ - ۱۱۹۳ هـ.ق) افتاد و بعد از انقراض سلسله زندیه به وسیله آقامحمدخان قاجار، روزهای تاریک و تیره روزی کرمانیان آغاز شد. آقامحمدخان همین که از حرکت لطفعلی خان زند به کرمان و انتخاب آنجا به پایتختی مطلع شد، با شتاب رهسپار کرمان شد و چه ظلمها که نکرد تا آنجا را به تصرف خود درآورد. بعد از مرگ آقامحمدخان در دوره سلطنت فتعلی شاه، شهر جدید کرمان در شمال غربی شهر قدیم بنا شد.

بخش دوم (۱-۲)

محلات و شهرهای استان کرمان

۱-۲-۱ آشنایی با محلات

در شهر کویری کرمان بیش از ۳۰ محله وجود دارد که این امر، حکایت از قدمت و سابقه کهن شهر کرمان می‌کند. نام بعضی از محله‌ها از این قرار است: «محله شهر، محله شاه عادل، محله قبرسبز، محله خواجه خضر، محله کلیمیها، محله دولتخانه، محله میدان قلعه و محله دروازه ریگ‌آباد. اسم این محله‌ها غالباً از نام حاکمان، پهلوانان و خصوصیات اخلاقی مردم همان محل گرفته شده است.»

شهر شش دروازه نام دیگر کرمان در گذشته بوده است. گفتنی است که کرمان در گذشته شش دروازه داشته است به این نامها: ^(۱) دروازه مسجد، همجوار مسجد جامع، ^(۲) دروازه ارگ در شمال شهر، ^(۳) دروازه رق‌آباد (ریگ‌آباد) در جوار مزرعه‌ای به همین نام در جنوب شهر، ^(۴) دروازه سلطانی یا دروازه دولت در غرب ^(۵) دروازه گبری محل زندگی زرتشتیان در شمال شهر، ^(۶) دروازه ناصری در مشرق محله شهر. واقع شدن شهر کرمان در سر راه هندوستان و وجود کارخانه‌های بافندگی ابریشم، پنبه و پشم، باعث

6- پورا احمد - احمد - جغرافیا و ساخت شهر کرمان - تهران انتشارات دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی - ۱۳۷۰ - ص ۱۳۰.

ضرورت پیدایش بازارهای متعدد برای عرضه کالاهای داخلی و خارجی بود
نام چند بازار قدیمی از این قرار بوده است.

- | | |
|----------------------|-----------------------|
| (۱) بازار مظفری | (۷) بازار مسگرها |
| (۲) بازار وکیل | (۸) بازار شاه |
| (۳) بازار اختیاری | (۹) بازار کوچه باغ |
| (۴) بازار نقارخانه | (۱۰) بازار کلاه‌دوزها |
| (۵) بازار کفاشها | (۱۱) بازار قدمگاه |
| (۶) بازار گنجعلی خان | (۱۲) بازار چهار سوق |

همان‌گونه که گفته شد استان کرمان بر حاشیه کویر و سر راه تجارت ابریشم
واقع شده و پذیرای کاروانهای تجارتي زیادی بوده است. این امر و گرمایی
زیاد این منطقه کویری، نیاز به استراحت و تجدید قوا را در بازرگانان بیشتر
می‌کرده و جوابگوی این نیاز کاروانسراها بوده است. چند کاروانسرای قدیم
کرمان که مهمانان زیادی را در خود جای می‌دادند، به این نامها خوانده
می‌شود.

(۱) کاروانسرای سردار (۴) کاروانسرای وکیل

(۲) کاروانسرای حاج مهدی (۵) کاروانسرای گلشن

(۳) کاروانسرای گنجعلی خان (۶) کاروانسرای هندوها

شهر کرمان بر حاشیه‌ای بلند از کویر لوت قرار گرفته است و در سقف آسمانش ستاره‌ها به شفافیت می‌درخشند. مساحت کرمان حدود ۴۴۵۷۰ کیلومتر مربع است. کرمان از جنوب به ماهان و جوپار، از شمال به زنگی آباد و از شرق به شهداد و از غرب به دشت رفسنجان محدود است. با وجود اینکه کرمان همواره در مقابل هجوم بیگانگان مقاومت کرده و روزهای سخت، جنگ و محاصره را گذرانده است و طبیعت نیز با او سر مهر نداشته است اما این داستان، چه از لحاظ صنایع دستی و چه از لحاظ محصولات کشاورزی شهرتی جهانی دارد. شهرستان کرمان شامل ۱۰ مرکز شهری به نامهای «باغین، جوپار، چترود، راین، زنگی‌آباد، شهداد، کاظم‌آباد، کرمان، ماهان و محی‌آباد» است.

۱-۲-۲- معرفی شهرستان‌های مهم استان کرمان

۱-۲-۱- جیرفت

«شهرستان جیرفت که به دلیل شرایط خاص آب و هوایی و انواع محصولات

گرمسیری و سردسیری به «هند کوچک» معروف شده است. در فاصله ۲۳۱

کیلومتری شهر کرمان واقع شده است. سدی که بر روی رودخانه هلیل احداث شده، وضعیت این دیار را متحول ساخته است. بافت قالی، گلیم، جاجیم از دیرباز در این شهر رایج بوده است. قبل از حمله مغول یکی از شهرهای آباد و ثروتمند جهان اسلام بود. کالاهای تجارتي که از هندوستان به ایران صادر می شد از جیرفت به سایر شهرهای ایران توزیع می شد. مارکوپولو تاجر و سیاح و نیز از این شهر به نام «کامادای» یاد کرده است. آثار تاریخی شهرستان جیرفت و کهنوج عبارتند از: ارگ منوجان، مقبره آخوند (تصویر ۱-۳)، گورخانه مقبره سلطان صغیر، سرخ قلعه کهنوج، قلعه کویر. مردم این شهرستان به طور عمده به کار کشاورزی اشتغال داشته و از عمده محصولات کشاورزی آن می توان خرما، انواع مرکبات و سیفی جات را نام برد.

۱-۲-۲-۲- کهنوج

شهرستان کهنوج مولود انقلاب اسلامی است، زیرا در سال ۱۳۵۸ از پیکره شهرستان جیرفت جدا شده و به صورت شهرستانی مستقل درآمده است. وجود منابع غنی آب و خاک حاصلخیز به این منطقه رونق خاصی بخشیده است. «با مساحتی حدود ۱۶۶۲ هکتار در ۸۰ کیلومتری شهرستان جیرفت واقع و از جنوبی ترین شهرستانهای استان است. مردم این شهرستان نیز به طور عمده به کار کشاورزی اشتغال دارند. صنایع دستی متداول در شهرستان

کهنوج حصیربافی، چادرشببافی و قالیبافی است که در حد خود مصرفی است. اخیراً قالیبافی در این شهرستان جایگاه اصلی خود را یافته و تعداد زیادی به تولید فرش در این شهرستان فعالند.

(تصویر ۱-۳)

مقبره آخوند

۱-۲-۳- بافت

شهرستان بافت با ۱۲.۸۱۳.۵۴۱ کیلومتر مربع وسعت در دامنه کوههای لاله‌زار، در حد فاصل ۱۵۶ کیلومتری کرمان، بین شهرستان‌های سیرجان، کرمان و بندرعباس واقع شده است. این شهرستان با داشتن دو قسمت متمایز گرمسیر و سردسیر، محل بیلاق و قشلاق عشایر کرمان است. شهرستان بافت در میان ادامه رشته‌کوههای هزار و بلندیه‌های جبال بارز محصور است و عمده‌ترین معادن استان را در خود جای داده است. این شهرستان شامل بخشهای مرکزی، داور و ارزوئیه است و ۱۲۲۹۶۷ نفر جمعیت دارد.

جدا از اینکه بخشی از درآمد این استان از دامداری و محصولات آن تأمین می‌شود، می‌توان گفت که صنایع دستی این شهرستان نیز از اعتبار خاصی برخوردار است و از رشته‌های صنایع دستی که سابقه دیرینه‌ای داشته از قالی

و قالیچه بافی، گلیم ساده، گلیم شیریکی پیچ، گلیم چهل ماشوله، خورجین، سیاه چادر، چادرشب بافی و نمدمالی را می توان نام برد، البته بافت گلیم شیریکی پیچ در این شهرستان اعتبار ویژه ای دارد. گلیم چهل ماشوله نیز در این شهرستان اعتبار و اهمیت خاصی دارد..

۱-۲-۲-۴- بردسیر

بردسیر با ۶۳.۷۴۱.۰۶۱ کیلومترمربع مساحت و با آب و هوایی نسبتاً سرد و معتدل و منطقه ای کوهستانی در مرکز جغرافیایی استان کرمان واقع شده است. کشت چغندر در این شهرستان موجبات تأسیس کارخانه قند بردسیر را فراهم کرده است. این شهرستان شامل بخش مرکزی است و ۶۵۷۴۵ نفر جمعیت دارد.

۱-۲-۲-۵- رفسنجان

این شهرستان با مساحت ۱۰.۶۸۷.۴۹۸ کیلومترمربع در فاصله ۱۰۲ کیلومتری غرب کرمان، بین شهرستانهای یزد، سیرجان، بردسیر و شهر بابک و کرمان واقع شده است. رفسنجان اسامی مختلفی دارد که بیشتر در ارتباط با ذخایر زیرزمینی آن نامگذاری شده است. مانند رفسنگان یا رفسنگ به معنای مس است که معرب آن رفسنجان است. این شهر قدیمی دیرینه دارد و باغ های پسته آن مشهور است یکی از شخصیت های معروف تاریخ معاصر

ایران به نام آیت‌الله اکبرهاشمی رفسنجانی در این شهر تولد یافته و این شهر از این جهت نیز اشتهار جهانی یافته است.

آثار تاریخی عمده شهرستان رفسنجان عبارتند از: یخدان حاج امام علی در عباس‌آباد، برج فردوسی.

۱-۲-۲-۶- سیرجان

شهر سیرجان به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و استقرارش بر سر راه‌های ارتباطی کرمان، یزد، بندرعباس، شیراز و نیز وجود زمین‌های کشاورزی حاصلخیز و منابع بسیار غنی معدنی از شهرهای مهم این استان است.

این شهر از لحاظ تاریخی نیز غنی است و در حدود ۲۰ اثر تاریخی فرهنگی در آن ثبت شده است. از جمله آنها می‌توان قلعه سنگ و امامزاده علی را نام برد.

سیرجان در روزگاری دورتر، مرکز استان کرمان بوده است.

این شهرستان در ۱۸۰ کیلومتری جنوب غربی استان واقع شده است و درآمد روستائیان این شهرستان از کشاورزی و دامداری تأمین می‌شود. رشته‌های صنایع دستی این شهرستان عبارتند از: قالی و قالی‌بافی، گلیم ساده، گلیم چهل ماشوله، گلیم شیریکی پیچ، خورجین، سیرچادر و پته‌دوزی که بافت گلیم شیریکی پیچ در این شهرستان از رونق خاصی برخوردار است. که این

خود حاصل تلاشهای بی‌وقفه کارشناسان سازمان صنایع دستی ایران در راستای احیای آموزش و ترویج این رشته بوده است. اجرای طرح توسعه و ترویج صنایع دستی ایجاب کرد که تولید گلیم سوزنی و شیریکی پیچ و پته‌دوزی در این استان رشد قابل توجهی پیدا کند. این امر از نظر صادرات نیز حائز اهمیت است.

سیرجان امروزی روبه آبادی و توسعه تجاری و صنعتی است و بارانداز معروف و پررونقی دارد.

۱-۲-۲-۷- بم

بم در قدیم یکی از پنج کوره ایالت فارس بود. در قرن چهارم هـ.ق. از بم به نام شهری که از جیرفت بزرگتر و هواپس از آن سالم‌تر و دارای نخلستانهای زیاد بوده یاد کرده‌اند.

بم در مسیر جاده‌هایی که جنوب‌شرقی ایران را با سیستان، افغانستان و بلوچستان مرتبط می‌کند قرار دارد. بم در دوران پیش از اسلام پی‌ریزی شده و رونق آن در قرن دهم میلادی است. در آن زمان یکی از پنج شهر مهم سرزمین کرمان بوده که هر یک کرسی ولایتی بوده‌اند.

در این دوره بم به عنوان مرکز منسوجات و جزئی از شبکه وسیع بازرگانی گسترده‌ای بود که در ایام خلافت عباسی تشکیل یافته بود.

شهر و قلعه باستانی بم یکی از یادگارهای شگفت معماری فلات مرکزی ایران است. (تصویر ۴-۱)

امروزه از شهر بم جزء ویرانه‌های باقی نمانده است و علل این ویرانی زمین لرزه‌ای بود که در دی ماه ۱۳۸۲ در این شهر حادث شد.
۱-۲-۲-۸- شهر بابک

شهر بابک از شهرهای قدیمی ایران است و بنای آن را به بابک پدر اردشیر بابکان نسبت می‌دهند. اردشیر بابک مؤسس سلسله سلاطین ساسانی بوده و شهر فعلی بابک در آن زمان از توابع کرمان محسوب می‌شده است. پیشینه تاریخی شهر بابک با جغرافیای تاریخی کرمان درهم آمیخته است.^۷
تصویر (۴-۱)

ارگ بم

بخش سوم (۳-۱)

ویژگیهای فرهنگی استان کرمان

۱-۳-۱- کلیاتی پیرامون ویژگیهای فرهنگی استان کرمان:

استان کرمان محل سکونت مردی با عقاید متنوع دینی و مذهبی است که به طور عمده تحت تأثیر فضای فرهنگی اسلامی و ایرانی شکل گرفته است.

7- زنده دل - حسن - مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی - شماره ۱۸-ص ۳۲ تا ص ۳۵.

اطلاعات موجود حاکی از آن است که علاوه بر مسلمانان شیعه، پیروان زرتشت، فرقه شیخیه، اهل حق و ... نیز در محدوده استان زندگی می کنند که هر کدام از آنها آئین و مراسم مذهبی و دینی خاصی دارند. در این مراسم ویژه زرتشتیان و پیروان فرقه شیخیه در خور توجه است. آداب و رسوم و سنن مسلمانان نیز با دیگر نقاط ایران تفاوت چندانی ندارد و شیوه برگزاری آن ها چه در مراسم جشن و سرور اعیاد ملی و مذهبی و چه در مراسم عزا و سوگ عمومی و خصوصی تقریباً مانند سایر نقاط ایران است. از طرفی دیگر استان کرمان محل کوچ و زیست ایلات مختلف عشایری است که هنوز در بین آنها فرهنگ شهری چندان رسوخ و گسترش نیافته است. این ایلات به طور عمده در مناطق سیرجان، رودبار و منطقه عباسی زندگی می کنند.^۸

به طور کلی فرهنگ منطقه کرمان بر بنیاد دو عامل شکل گرفته است: از یک سو زیستگاه طبیعی و اقلیمی خاص و از سوی دیگر تاریخ سخت و پرجنگ و جدال آن. این جدال دایمی با طبیعت کویری منطقه و دورافتادگی جغرافیایی، سالیان سال ادامه داشته و به قناعت و صبوری مردم منطقه منجر شده است. در عین حال فرهنگ استان کرمان از ترکیب اجتماعی جوامع شهری، روستایی و عشایری متأثر شده و خرده فرهنگ هایی را در سطح

8- زنده دل - حسن - مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی شماره ۱۸ - ص ۱۰۵

استان به وجود آورده است. همچنین نظامات حکومتی و نهضت‌ها و آیین‌های مذهبی (خوارج اسماعیلیه، سربداران، تصوف و عرفان) در فرهنگ منطقه تبلور یافته و به بخشی از میراث فرهنگی آن تبدیل شده است. اجمالی از این خرده‌فرهنگها به شرح زیر است:

فرهنگ عشایری، فرهنگ روستایی، فرهنگ زرتشتی، که دو فرهنگ اول نیاز به توضیح نیست اما در مورد فرهنگ زرتشتی مطالبی جالب وجود دارد که به طور مختصر به آن می‌پردازیم.

۱-۳-۲- فرهنگ زرتشتی

هم‌اکنون نزدیک به دو هزار نفر زرتشتی در کرمان زندگی می‌کنند این اقلیت مذهبی دارای آیین‌ها و مراسمی هستند که از اعتقادات دینی آنها سرچشمه می‌گیرد و اجرای بعضی از مراسم آنها در تمام جامعه کرمان به چشم می‌خورد. وجود همین اقلیت دینی در سطح استان، باعث ماندگاری سنت‌ها و آیین‌های زرتشتی در این منطقه شده است. آیین‌هایی مثل جشن سده (تصویر ۱-۵)، جشن مهرگان، لباس سبز پوشیدن در مراسم عقد و ... از جمله آنها می‌باشد از نظر مناسبات اجتماعی و اقتصادی اگرچه این مردم زرتشتی در جامعه کرمان مستمیل شده‌اند، اما هنوز دارای الگوهای مشخص

فرهنگی هستند. آتشکده مقدس (تصویر ۱-۶) و زیارتگاه پیرسبز در منطقه حکایت از وابستگی آنها به آیین‌های مذهبی خود دارد.^۹

(تصویر ۱-۵)

جشن سده

۹- همان منبع پیشین - ص ۱۰۶-۱۰۷.

(تصویر ۱-۶)

آتشکده مقدس

۱-۳-۳- جشن‌ها و سرورها

مراسم جشن‌ها و سرورها عمدتاً به دو شکل است جشن عروسی، اعیاد ملی و مذهبی مشتمل بر عید نوروز، قربان، فطر و مهرگان و ... در آیین‌های ساسانیان آمده است که در روز جشن مهرگان که در تقویم اوستا برابر با ۱۶ مهر است اما چون در تقویم کشوری شش ماه از سال ۳۱ روز است، بنابراین جشن شش روز جلوتر و روز دهم مهر خواهد بود. پادشاهان با گذاشتن تاجی به شکل خورشید، پادشاهی خود را اعلام می‌کردند.

در این جشن، زرتشتیان کرمان در شهر کرمان از چند روز قبل به پیشواز می‌روند. خانه و کاشانه خود را پاک و پاکیزه می‌نمایند، آن روز جامه نو به تن می‌کنند و آب و آویشن که نوعی گیاه خوشبو است به در خانه می‌آویزند و در داخل نور و گرمی آتش و بوی خوش عود و صندل و کندور وجود دارد و زمزمه ستایش به خداوند نیز از نشانه‌های جشن است. زرتشتیان پس از مراسم به سوی آتشکده (درب مهرها) در کرمان و سایر روستاها رومی‌آورند.

نماز و ستایش به خداوند توسط گروه موبدان سفیدپوش انجام می‌گیرد و سپس موبدان آغاز به سخن کرده و فلسفه جشن را بیان می‌کنند.

از مراسم دیگر ایزد مهر، مراسم قوچ اندازون است، در آیین مهر قوچ، نماد مهر است. و همینطور در کرمان در باورهای طوایف دامدار کوچنده و دهنشینان این منطقه خضر صاحب گوسفندان و حامی آنهاست. نظر کردن خضر موجب برکت رمه و شیر گوسفندان می‌شود.

فصل دوم:

نگاهی به هنر و معماری استان کرمان

بخش اول (۱-۲)

کلیات

۱-۱-۲ شناخت صنایع دستی

نقش صنایع دستی در کشور نه تنها در زمینه اقتصادی و اجتماعی است، بلکه از جهت دیگری نیز حائز اهمیت است و آن حفظ ارزشها، اصالتها و خاستگاه فرهنگی و هنری است که باید مورد توجه قرار گیرد. با حفظ ای مزیت که، اشتغال و کسب درآمد از این طریق بخش محوری و اساسی در صنایع دستی است.

صنایع دستی یکی از زمینه‌های مهم فعالیت اقتصادی در کشور است. هم‌اکنون میلیون‌ها نفر در ایران و خصوصاً در روستاها به فعالیت در این زمینه اشتغال دارند که متأسفانه نتایج تلاش پیگیرشان هیچگاه به صورت شاخص در آمار مربوط به اقتصاد ملی مملکت منتشر نمی‌شود. براساس آمار موجود هم‌اینک بخش عمده‌ای از ارزش صادرات کالاهای غیرنفتی، به فرش دستبافت و دیگر صنایع دستی مربوط می‌شود. برای روشن‌تر نشان دادن سیمای صنایع دستی استان کرمان باید به چند ویژگی آن اشاره کرد:

۱-۱-۲-۱- صنایع دستی به عنوان یک هویت ملی، خود یکی از جلوه‌های تبلور عینی فرهنگ و هنر بومی، مردمان این سرزمین پهناور است و همانند تاریخ، خط، زبان و سایر سنن بومی باید حفظ شود.

۱-۲-۲-۱-۲- صنایع دستی اشتغال بخش وسیعی از مردم این سرزمین را تشکیل می‌دهد؛ در روستاها به عنوان یک شغل فصلی یا حتی دائمی مکمل درآمدهای کشاورزی و دامداری روستائیان به شمار آمده و در این صورت عامل تعدیل انگیزه‌های منجر به مهاجرت‌های بی‌رویه روستائیان به شهرها محسوب می‌شود.

۲-۱-۱-۳- یکی از ویژگیهای اقتصادی صنایع دستی محدودیت سرمایه‌گذاری برای تولید آن است. اصولاً صنایع دستی بی‌نیاز، از سرمایه‌گذاریهای کلان است و سهم سرمایه‌گذاری برای ایجاد یک شغل در صنایع دستی نسبت به سایر رشته‌های صنایع دستی بسیار پایین‌تر بوده و با مزیت نسبی که کشورها در تولید آن دارد، سرمایه‌گذاری در صنایع دستی یک عمل معقول اقتصادی به شمار می‌رود.

۲-۱-۱-۴- امکانات صادراتی صنایع دستی از دیگر امتیازات ویژه آن به شمار می‌رود. با توجه به واقعیت عینی که پس از دستیابی به تکنولوژی نفت، عموماً فرش و دیگر صنایع دستی بوده که همواره و هر ساله اولین رقم صادرات غیرنفتی کشور را به خود اختصاص داده دلیل به این مدعاست. مضافاً اینکه تجربه نشان داده است، هرگاه بازار صنایع دستی پررونق شود، دلگرمی صنعتگران نیز به تبع آن فزونی گرفته و بر تولیدات خود افزوده‌اند.

۲-۱-۱-۵- توسعه و ترویج صنایع دستی نسبت به سایر رشته‌های صنعت با هزینه‌ای بسیار پایین‌تر و زمانی کوتاه‌تر، مشکلاتی کمتر، ضریب انتشاری بالاتر و مزیت نسبی جهانی بیشتری از مقدورترین و با صرفه‌ترین سرمایه‌گذاریهای ملی است.^{۱۰}

10- (۹) تحلیلی پیرامون نقش اقتصادی صنایع دستی استان کرمان، (کرمان شرکت صنایع دستی منطقه جنوبشرق، ۱۳۷۶، ص ۳ و ۲۰۳).

ضمن در نظر داشتن اهمیت اقتصادی صنایع دستی، ارزش فرهنگی آن را نیز نمی توان نادیده گرفت. وجود عنصر معنوی یا بار فرهنگی مهمترین عامل تداوم حضور صنایع دستی در صحنه پرآشوب بازارهای جهانی است. عنصر معنوی، در حقیقت بازگوکننده احساسات و اعتقادات و بازتاب محیط اطراف است که به صورت گلها و گیاهان و جانوران هر منطقه در نقشها و طرحها و رنگهای گوناگون بر روی اشیاء ساخته شده، تجلی می یابد. بنابراین کالاهای تولیدی نه تنها جوهر وجودی سازنده آن، بلکه هویت فرهنگی هر کشوری را هم نشان می دهد.

کرمان یکی از تاریخی ترین و قدیمی ترین شهرستانهای ایران به شمار می رود. شهر کرمان در گذشته بیشتر مرکز صادرات کالاها و خدمات کشاورزی بوده است و حدود ۵۰ درصد جمعیت را روستائیان تشکیل می داده اند که حرفه اغلب آنها صنایع دستی بوده است. واقعیت قابل ذکر این است که تعداد تخته قاپوشدگان مداوم روبه افزایش است. جاذبه های زندگی شهرنشینی و کلی تر یکجانشینی از یک سو و لطمه شدید تورم و نوسان قیمتها از سوی دیگر آنان را هر روز بیشتر جذب معادن، ساختمان و مزارع می کند. زنان ایلاتی که بدین ترتیب اسکان می یابند. سپاه نیروی انسانی صنایع دستی را هم در واقع تشکیل می دهند، چراکه این زنان می توانند بهترین گلیم، و چادرشب و

جاجیم‌ها و بخصوص قالیها را بیافند. چنانچه سازمان صنایع دستی ایران در توزیع مواد اولیه و گردآوری تولیدات نقشی داشته باشد به بهترین وجه می‌توانند این فراورده‌های گرانبهای سنتی را در فروشگاهها و نمایشگاههای خود به سایر هموطنان و جهانیان بشناساند.

۲-۱-۲- معرفی صنایع دستی کرمان

صنایع دستی شهرستان کرمان عبارتند از: قالیبافی، پته‌دوزی، خراطی چوب، سفالسازی، ساخت فراورده‌های مختلف مس تزئینی، بافت انواع شال و ترمه و

گلیم که اغلب این هنرمندان در نقاط مختلف شهرستان پراکنده‌اند. در اینجا

برای آشنایی بیشتر به توضیح این صنایع دستی ارزشمند و گرانبها می‌پردازیم.

۲-۱-۲-۱- پته کرمان

«یکی از هنرهای ویژه استان کرمان «پته‌دوزی» است که با نقوش مختلف بوته جقه و شاخ و برگ گیاهان و نیز پرندگان گوناگون و حاشیه چند

رده‌بندی روی نوعی شال ساده سلسله‌دوزی می‌شد. همه اینها حتی شال ساده زمینه نیز با انگشتان هنرمندان و زحمتکشان کرمان تهیه می‌شده

است»^{۱۱}.

11- صنعتی، محمود. پته‌های کرمان. (تهران، (؟) ۱۳۵۷، مقدمه).

به گفته‌های یکی از پته‌دوزان کرمان در زبان محلی «پت» به معنای یشم آمده و پته‌دوزی یعنی دوختن نخهای پشمی بر روی یک پارچه پشمی. پته‌دوزی رشته‌ای از رودوزی است که در کرمان، رفسنجان، سیرجان و گوشه و کناره‌های دیگر این استان دوخته می‌شود.

این هنر که ریشه در تاریخ و گذشته فرهنگی کرمان دارد، همانند سایر رشته‌های صنایع دستی سابقه تولیدی مشخص ندارد و هر یک از دست‌اندرکاران، پیدایش آن را به یکی از افسانه‌های بومی مرتبط می‌سازند و متأسفانه به دلیل آسیب‌پذیری منسوجات در برابر عوامل جوی، در موزه‌های داخلی و خارجی نیز نمونه‌هایی از پته که بتواند راهگشای ما به کشف سابقه این «هنر - صنعت» باشد، وجود ندارد.

قدیمی‌ترین قطعه پته‌ای که هم‌اکنون یافت می‌شود روپوش مقبره شاه نعمت‌الله ولی در ماهان کرمان است که یکی از پرکارترین پته‌های تولید شده در ایران است و به طوری که شهرت دارد در سال ۱۲۸۵ هـ ق دوخته شده و بیش از ۱۳۰ سال از عمر آن می‌گذارد.

این روپوش که نتیجه کار ۱۶ نفر از پته‌دوزان کرمانی در طی ۲ سال می‌باشد از عریضی تهیه شده که ۳۵۵ سانتی‌متر طول و ۲۱۰ سانتی‌متر عرض دارد و نمونه بسیار برجسته‌ای از ذوق و هنر زنان هنرمند کرمان است.

پته‌دوزی نوعی از رودوزیهای ایرانی است که طی آن تمام سطح پارچه به وسیله بخیه‌های رنگی پوشیده می‌شود و هنرمندان که اکثراً از زنان و دختران خانه‌دار هستند با کمک سوزن نقوش ذهنی را که ملهم از برداشتها و بینشهای شخصی‌شان است، بر زمینه پارچه پشمی ضخیمی به نام «عریض» می‌نشانند. عریض پارچه‌ای است پشمی که قبلاً آن را با دست می‌بافتند و از دستگاههای دوپاباف و چهارپاباف استفاده می‌شده و عرض این پارچه‌ها از ۹۰ سانتی‌متر تجاوز نمی‌کرده است اما امروزه با دستگاههایی که ساخت یزد و اصفهان است و به تک جعبه معروفند این عمل انجام می‌شود و پارچه بافته شده را کج می‌نامند.

هم‌اکنون بیشتر عریض مورد نیاز توسط کارخانه‌ها بافته و عرضه می‌شود. انواع دیگر نخ نقش‌اندازی که بر روی پارچه به کار می‌روند، پشمی و نسبتاً ظریف هستند و «ریس» نام دارد که معمولاً در رنگهای عنابی، مشکی، سبز روشن، سبز تیره، زرد، نارنجی، قرمز، آبی تیره، سبز ماشی، لاک‌ی و غیره مورد استفاده پته‌دوزان قرار می‌گیرد. نوعی نخ پشمی دستریس یا ریسیده شده به وسیله ماشین است که میزان مصرف آن به نسبت نوع نقش و ضخامت یا نازکی نخ مورد مصرف، متفاوت است ولی به طور متوسط رودوزی هر متر پته به حدود ۳۷۵ تا ۴۰۰ گرم نخ احتیاج دارد.

۱-۲-۱-۲- چگونگی طراحی پته

برای تهیه یک قطعه پته‌دوزی ابتدا عریض را به ابعاد لازم بریده و سپس آن را به دست طراح می‌سپارند و شیوه کار نیز به این صورت است که هنرمندان پته‌دوز خود مستقیماً به طراح مراجعه نمی‌کنند و فروشندگان مواد اولیه پته معمولاً مقدار زیادی عریض بریده و طراحی شده در اختیار دارند که به صورت آماده به پته‌دوزان می‌فروشند. در مرحله طراحی ابتدا طرح روی کاغذ مخصوص ترسیم می‌شود و سپس از آن خطوط طرح را به وسیله سوزن و به طور متناسب سوراخ کرده و سپس بر روی عریض موردنظر منطبق می‌سازند و روی آن پودر گچ یا خاکه زغال می‌ریزند و این عمل را «گرته‌زنی» می‌نامند. برای پارچه‌های تیره از خاک گچ و برای پارچه‌های روشن از خاک زغال استفاده می‌شود. سپس نقاط مشخص شده را با قلم و مرکب چین روی پارچه، پررنگ می‌سازند و سپس خطوط حاصله را ثابت می‌کنند.

۱-۲-۲- طرز دوخت پته

پس از طراحی انتخاب نخ و رنگ مطرح است «انتخاب رنگهای مناسب با طرح، تهیه تارها، آمیختن رنگ با تارهای تهیه شده، مراحل بعدی کار است. سپس روزها و ماهها وقت صرف می‌نمودند تا تارهای رنگین را با سرپنجه‌های

خود به صورت گل و بته و شاخ و برگهای رنگین به سطح شال ظاهر کنند تا
قطعه‌ای به نام پته پدیدار شود^{۱۲}»

پته‌دوزان ابتدا جای خطوط اصلی را سوزن می‌زنند، این مرحله به دلیل آنکه
نقوش به طرز خطی دوخته می‌شوند، به مرحله «ساق دوزی» معروف است.
پس از اینکه تمام خطوط اصلی نقش ساق دوزی شد، داخل آن را با اسلوب
خاصی سوزن دوزی و پر می‌کنند که این کار را اصطلاحاً «آب‌دوزی یا
متن دوزی» می‌نامند. بعد از اتمام کار متن دوزی نوبت به «رودوزی» پته
می‌رسد. در این مرحله فواصل خالی بین نقوش با رنگهای سبز تیره یا
سرمه‌ای دوخته می‌شود.

آخرین مرحله پته‌دوزی «برگ‌دوزی» است که برای پته‌های دارای رنگ تیره
از نخ زرد، سفید، سبز روشن، آبی و سبز ماشی و برای پته‌های دارای رنگ
روشن از نخ مشکی، سبز تیره و لاک‌ی استفاده به عمل می‌آید.
برگ‌دوزی معمولاً در اطراف حاشیه‌ها و به صورتهای مختلف مانند سروی،
زیگزاک، شویدی و ... انجام می‌شود. پس از اتمام این مراحل پته را شسته و
با کمک دستگاه مخصوصی اتو زده و آماده عرضه به بازار می‌کنند.

12- و 2- صنعتی، محمود، پته‌های کرمان (مقدمه).

پته‌دوزی در سالهای ۱۳۱۵ تا ۱۳۳۰ هـ.ش. چنان رونق داشت که حتی بسیاری از نقاشان قالی را تحت تأثیر طرح‌ها و رنگ‌های خود ساخت.^۲

۲-۱-۲- طرحهای پته

پته‌ها طرحهای متنوعی دارند که مهمترین و معمول‌ترین آنها عبارتند از:
«طرح چهار پته از جمله طرحهایی است که برای تهیه بقچه معمول بوده و عبارت است از چهار بته جقه در چهار گوشه بقچه که ترنج وسط را دربرگرفته و گاهی فقط چهاربته جقه در چهار گوشه بقچه به طور قرینه قرار می‌گیرد و البته این پته‌ها خود از غنای زیادی برخوردارند معمولاً هر پته روی پایه‌ای قرار گرفته و در رأس به پیچشهای نرمی منتهی می‌شوند، گاهی چهار دسته گل در چهار طرف بقچه به طور قرینه، زیبایی آن را دو چندان می‌کند، اینها همه با حاشیه‌ای در چند رده محصور می‌شوند، معمولاً حاشیه به وسیله پته‌های زیر جقه‌ای و چند ردیف گل‌های مختلف تزئین می‌شود و تمام نقش‌ها با هماهنگی فوق‌العاده از زمینه جدا می‌شود.

در طرح بازبندی یک ترنج به وسیله یک حاشیه پهن با طرح بازبندی احاطه می‌شود و کار پته‌دوزی به سمت خارج تا لبه با چند رده گل و بته ریز همراهی می‌شود و در این نمونه تمام سطحشان معمولاً پر می‌شود.

طرح درختی نقشی است با پیچشهای شاخه‌هایی که در پایین به ساقه منتهی شده و بالای آن یک محراب قرار گرفته و تمامی در قابی با چند رده‌بند، از آن بیشتر برای پرده استفاده می‌کردند که در دو یا چهارلنگه تهیه می‌شده، زیبایی حاصل از تکرار گل‌های رنگارنگی که فواصل شاخه‌ها را پر می‌کند به قدری است که دیگر منطق پرده بودن را از بیننده می‌گیرد.

طرح سروی طاووسی که در وسط یک سرو بزرگ از نوع بته‌جقه که در پایین دو طاووس در دو طرف سرو و در داخل سرو نیز مرغهایی با رنگهای مختلف دیده می‌شود در طرح سروی از طوطی به جای طاووس استفاده می‌شده. با این تفاوت که روی درخت قرار می‌گرفته است.^{۱۳}»

۱-۲-۴- موارد استفاده از پته

از پته استفاده‌های زیادی در زمینه‌های تزئینی - کاربردی می‌شود. در سایر شهرهای ایران از پته بیشتر برای تزئین استفاده می‌شود ولی در شهر کرمان و شهرهای دیگر استان علاوه بر تزئینات مصارف زیاد کاربردی نیز دارد.

مهمترین موارد استفاده از پته عبارت است از:

بقچه، سجاده، جاقزانی، پرده، روکرسی، سوزنی، رومتکائی، رومیزی، زیرلیوانی، شنل، پشتی و غیره (تصویر ۱-۲)، (تصور ۲-۲)

13- صنعتی، محمود، پته‌های کرمان، (مقدمه)

از اساتید بنام این فن در سده ۱۳ هجری قمری می‌توان از استاد فرج‌الله کرمانی و استاد میرعلی کرمانی نام برد.

(تصویر ۱-۲)

پته کرمان

(تصویر ۲-۲)

پته کرمان

۲-۲-۱-۲- ساخت فراورده‌های مس تزئینی

در سال ۱۳۵۵ تعداد کارگاه‌های مسگری در شهر کرمان حدود ۲۷ واحد گزارش شده است که البته در حال حاضر تعداد اینگونه کارگاهها بسیار کاهش یافته است. اغلب آنها ظروف و لوازم خانگی تهیه می‌کنند. در کرمان، چهار بازاری و لزوماً چهار سوقی به مسگران تعلق دارد. ماده اولیه این صنعت مس می‌باشد که به سه صورت ورق، لوله و شمش مورد استفاده قرار می‌گیرد. آینه نیز در تزئین مصنوعات به کار می‌رود. برخی از فراورده‌های مس

عبارتنداز: سینی، کشکول، قندیل، تابلو و غیره^{۱۴}. (تصویر ۳-۲)

تصویر (۳-۲)

صنایع دستی مس کرمان

14- اخوی، احمد. بررسی وضع صنایع دستی استان کرمان، امکانات توسعه و نقش آن را در اقتصاد منطقه تهران - سازمان صنایع دستی ایران - ۱۳۵۵ ص ۵۳ الی ۵۸.

۲-۱-۳- گلیم شیریکی پیچ

تا قبل از سال ۱۹۴۹ میلادی و کشف قالیچه پازیریک توسط «پرفسور رودنکو» اطلاعاتی که پیرامون سابقه بافت زیرانداز در اختیار داشتیم بسیار ناچیز بود، ولی کشف قالیچه پازیریک که حداقل ۵۵۰ تا ۳۳۰ سال پیش از میلاد تعلق دارد و دارای حالتی گره خورده است، نشان داد که حدود دوهزار و چند سال پیش، بافت قالی در ایران رایج بوده و از آنجا که فرش یاد شده دارای ۳۶۰۰۰ گره در دسیمتر مربع است، باید این نظریه پرفسور رودنکو را پذیرفت که ایرانیان برای رسیدن به چنین مرحله‌ای از مهارت در بافت فرش، عمری حداقل چند هزار ساله را پشت سر گذاشته‌اند. اما یقیناً بافت زیرانداز، روزی که در ایران شروع شد برخوردار از مختصات و مشخصات فرش پازیریک نبوده و در واقع قالیبافی را باید شکل تکامل یافته هنر، صنعت دیگری دانست که امروزه با عنوان «گلیم» از آن یاد می‌شود.

گلیم‌هایی که در حال حاضر در ایران بافته می‌شود، اگرچه برای بافت همه‌شان از یک سری قواعد کلی و نظیر هم استفاده می‌شود، اما هر کدامشان دارای ویژگی‌هایی منحصر به خود هستند که با کمک این خصوصیات از سایر انواع گلیم بازشناخته می‌شوند و در میان همه گونه‌های گلیمی که تولیدشان

در ایران رایج است، آنکه «شیریکی پیچ» نامیده می‌شود، مختصاتی ویژه و منحصر به فرد دارد و با این وجود ناشناخته‌تر از بقیه انواع گلیم است.

«شیریکی پیچ» نامی است که بافندگان عشایر و روستایی کرمان بر روی نوعی گلیم خاص که خود در زمرهٔ سوماک‌ها محسوب می‌شود، نهاده‌اند.

سوماک شیریکی پیچ که گاه به خاطر الیاف پشمی نازک و ظریف، ظرافت بافت و مرغوبیت خاص از آن به عنوان (سوزنی) هم یاد می‌شود.

قرن‌هاست که در مناطق مختلف روستایی و عشایری استان کرمان بافته می‌شود. ولی متأسفانه مانند بسیاری از هنرها و فنون تولیدی کشورمان، نحوهٔ

شکل‌گیری و زمان دقیق شروع آن در پردهٔ ابهام است. [...]

شیریکی پیچ یک بافتهٔ داری است و مانند دیگر زیراندازهای سنتی بر روی دار بافته می‌شود، دیگر ابزار کار را قیچی و دفتین تشکیل می‌دهد که همانند

دار در داخل استان کرمان قابل تهیه و تأمین است. از دیگر خصوصیات گلیم شیریکی پیچ، طرحها و نقش‌های ویژه و هماهنگی خاص طرحها و نقش‌ها با

خرده نقشها، نقشهای حاشیه و به طور خلاصه هماهنگی طرح و رنگ است.

در زمینه شیریکی پیچ، اغلب از رنگ سفید، قرمز یا شیری استفاده می‌کنند ولی علاوه بر رنگهای اصلی، رنگهای مصرفی دیگر در این قسمت عبارتند از

نخودی، سرمه‌ای و آبی. برای ایجاد نقوش هم از رنگهای مشکی، قرمز، سفید،

زرد، صورتی، سبز، یشمی، چمنی، قهوه‌ای، آبی، نارنجی، سرمه‌ای، کرم و ... استفاده می‌کنند.

نقوش مورد استفاده بافندگان شیریکی پیچ، همانند رنگهایی که به کار می‌برند، متکی بر اندیشه‌های بافندگان است و غالباً دربردارنده آرزوها و آمالشان می‌باشد و با بافت این نوع نقوش ذهنیاتشان را عرضه می‌کنند. این نقوش در کل به ۵ گروه شامل: نقوش باستانی، نمادهای سمبولیک، نقوش ذهنی، نقوش عینی و نقوش تقلیدی می‌باشد که در این میان نقش حیوانات و جانوران اهلی و خانگی نظیر مرغ، خروس، شتر، بز، گنجشک و بوقلمون به‌ویژه در میان بافندگان روستایی رواج بیشتری دارد. ولی بافندگان ایلیاتی از نقش جانورانی نظیر شیر و آهو و گوزن، روباه، طاووس، فیل، زرافه و ... نیز بر روی تولیدات خود استفاده می‌کنند.

پس از اتمام بافت شیریکی پیچ، اقدام به انجام عملیات تکمیلی روی آن می‌کنند که این عملیات باعث بهبود کیفیت و شکل ظاهری تولیدات می‌شود. بافندگان گلیم را زنان و دختران عشایر (کوچ‌رو و غیرکوچ‌رو و حتی تخته قاپوشده) افشار و روستائیان و برخی شهرنشینان بافت، سیرجان و کرمان تشکیل می‌دهند.

(تصویر ۲-۴)، (تصویر ۲-۵)

(تصویر ۲-۴)

گلیم شیریکی پیچ

(تصویر ۲-۵)

گلیم شیریکی پیچ

۲-۱-۲-۴- شالبافی

شالبافی یکی از رشته‌های قدیمی و اصیل صنایع دستی در هوتک است. هوتک نام روستایی از توابع بخش حومه شهرستان کرمان است. شالبافان کارگاهی جداگانه از خانه خود ندارند و در خانه خود به کار مشغولند. اما شال، محصول زیبایی که اینان می‌بافند، حتی در کرمان نیز کاملاً شناخته نیست و بنابراین فقط دارای بازار محلی است در حالی که شال شباهت فراوانی در بافت و ظاهر با ترمه دستباف دارد.

۲-۱-۲-۴- ابزار کار و نحوه تولید

دستگاهی که شال را با آن می‌بافند چوبی است و چهار ورد دارد. وردهای قالبهایی هستند با ردیفی از میل میلکها که نخهای تار را طبقه‌بندی می‌کنند و هر کدام به وسیله طنابی به پدالی مربوطند. وقتی با خنده در محل خود می‌نشینند، پدال زیر پای او قرار می‌گیرد، با فشار بر روی پدالها این قالبهای ورد بالا و پایین می‌روند و دسته‌ای از نخها را با حرکت خود بالا و پایین

می‌برند و شکافی که از جدا شدن دو دسته تار پدید می‌آید، محلی است که پود از آن گذشته، با تارها درگیر شده، باعث استحکام پارچه می‌شود. شال معمولاً در قواره‌هایی به اندازه ۲۰۰×۹۰ سانتی‌متر بافته می‌شود. قبلاً تاروپود شال هر دو پشمی بوده‌اند که امروزه به خاطر گرانی بهای پشم، تار آن را معمولاً از نخ پنبه‌ای دولای تابیده انتخاب می‌کنند و به نام نخ هندی مشهور است.

۲-۱-۲-۴-۲- طرح و نقش

نحوه بافت نقوش شال شبیه به بافت نقوش ترمه است یعنی نقشی که تکرار می‌شود، بته بادامی یا بته جقه‌ای است و در لابه‌لای آنها گاه گل زنبق نقش زده می‌شود متن شال معمولاً به رنگ عنابی یا قرمز روشن است. بته زنبق تقریباً داخل گلدان بوده و گل زنبق روی سرشته سوار است. ریزی و درشتی بته‌ها متفاوت است و متناسب با ریزی و درشتی آنها تعداد چله‌ها نیز تغییر می‌یابد.

۲-۱-۲-۵- عریض بافی

عریض پارچه‌ای است دستباف، پشمی و نسبتاً ضخیم که بر روی آن زنان پته‌دوز، سوزن می‌زنند و نقش می‌آفرینند. قبلاً از عریض به جای کت و پالتو هم استفاده می‌شده است و تعداد عریض بافان نیز بسیار زیاد بوده که با

تسخیر بازار به وسیله پارچه‌های کارخانه باف هر روز کمتر شده‌اند. امروزه مصرف آن در پته‌دوزی نیز روبه کاهش است و صرفاً جنبه آشنایی سنت‌خواهی دارد زیرا که در این مورد نیز هر روز مصرف پارچه‌های پشمی ماشین‌باف بیشتر می‌شود.

۱-۲-۱-۵-۱- نحوه تولید آن و مصرف

دستگاه عریض‌بافی تفاوتی با دستگاه شال‌بافی ندارد. عریض ابتدا سفید و بدون رنگ است که به وسیله بافندگان، رنگرزی تیز می‌گردد. عریض معمولاً ساده‌باف و در رنگهای عنابی، سبز و نارنجی تهیه می‌شود. استفاده‌ای که از عریض به عمل می‌آید بیشتر به صورت بقچه جهت پته‌دوزی است. فقط گاهی از آن به منظور تهیه لباس استفاده می‌کنند^{۱۵}.

۱-۲-۱-۶- سفال‌سازی

در شهر کرمان تنها یک کارگاه سفال‌سازی وجود دارد. استادکار این کارگاه غلامحسین کاشی‌گزراده است.

سفال کرمان به رنگ آبی فیروزه‌ای است که نمونه‌اش، در دست استادکاران جان ومایه می‌گیرد. کارگاه بر محور تولید کوزه و کوزه قلیان دایر است اما

15- اخوی، احمد. بررسی وضع صنایع دستی استان کرمان، امکانات توسعه و نقش آن در اقتصاد منطقه (تهران، سازمان صنایع دستی ایران ۱۳۵۵ ص ۴۳ الی ۵۲).

حوزه تولیدات این قدر هم محدود نیست. خاک مصرفی کارگاه از نوع رس است و نوع لعاب نیز ترکیبی، رنگی است.

علاوه بر اینها در این کارگاه کاشی نیز تهیه می شود که رنگهای متنوع تری دارد، مثل رنگ خردلی که از سنگ مغن بدست می آید و با آرد شیشه مخلوط می کنند. محصولات دیگری که در این کارگاه تولید می شود عبارتند از: کاسه، تاس (یک نوع ظرف)، گلدان و جاتخم مرغی.

۱-۲-۷- ترمه

کرمان یکی از دو مرکز مهم ترمه بافی ایران است و می دانیم که این پارچه نفیس و زیبا تنها در شهرهای یزد و کرمان بافته می شود.

«ترمه، پارچه ای است ظریف از کرک یا پشم یا ابریشم که با استفاده از طرحهای اصیل و سنتی به کمک دستگاههای بافندگی از نوع سنتی یا ژاکارد بافته می شود.

چنین به نظر می رسد که بافت ترمه به عنوان یکی از زیباترین و ظریف ترین محصولات دستباف ایران، از اوایل دوره صفویه رواج یافته، زیرا قبل از این دوره آثاری از ترمه های ایران برجای نمانده است. ضمن آنکه باید گفت نفیس ترین ترمه ها هم در دوره صفویه بافته شده است. دستگاه ترمه بافی سنتی از نوع چهار وردی است و برای بافت ترمه به یک نفر بافند و یک نفر

گوشواره کش نیاز است. استادکار در قسمت پایین و پشت دستگاه می‌نشیند و گوشواره کش در بالای دستگاه قرار می‌گیرد و کارش انتخاب نخها برای ایجاد دهنه بافت براساس نقشه واگیره برای انجام بافت است^{۱۶}. از این‌رو می‌توان چنین نتیجه‌گیری گرفت که طرحهای زیبایی که بر روی ترمه مشاهده می‌شود، حاصل همکاری و هماهنگی استادکار بافنده و گوشواره کش است.

بافت ترمه با دستگاههای ساده بافندگی بسیار دشوار و وقت‌گیر است و برای همین روزانه می‌توان حدود ۱۵ تا ۲۰ سانتی‌متر ترمه مرغوب تولید کرد. ولی با استفاده از دستگاه ژاکارد دستی که در واقع کار گوشواره کش در دستگاههای ساده بافندگی را انجام می‌دهد، تولید تا حدودی افزایش می‌یابد و به حدود ۵۰ تا ۸۰ سانتی‌متر در روز می‌رسد.

رایج‌ترین طرحهایی که در بافت ترمه مورد استفاده قرار می‌گیرند بیشتر شامل انواع طرحهای بوتله - بوتله ترمه، بوتله خرقه، بوتله جقه و ... - شاخ گوزنی، محرمتی و ... است.

16- این نوع ترمه که دارای شیوة بافت کاملاً سنتی است به «ترمه انگشتی» هم معروف است.

رنگهای زمینه ترمه را نیز بیشتر رنگهای عنابی، قرمز روشن، سبز، نارنجی و سیاه تشکیل می دهد. از ترمه به عنوان پرده‌ای، بقچه، رومیزی، جانمازی و نیز در تهیه انواع لباسهای زیبا استفاده می شود.^{۱۷} (تصویر ۲-۶)، (تصویر ۲-۷)

۲-۱-۲-۸- خراطی

در شهر کرمان بیش از ۴ الی ۵ کارگاه به کار خراطی اشتغال دارند و در شهرستان هم تعدادشان چندان زیاد نیست. علت، البته کمی مناطق طبیعی چوب نظیر جنگل و غیره در استان است، به طوری که تهیه چوب، هم مشکل است و هم اینکه گران تمام می شود.

علاوه بر اینان تعدادی خراط در محل حاشیه نشینان به این فعالیت مشغولند، اینان یا قبلاً کولی های ایلاتی بوده اند یا نسبتی با ایلات داشته اند. این خراطان در تهیه پایه مبل، صندلی و نظایر آن مهارت دارند ولی یکی از قابلیت های مهم آنها استفاده از چوب مخصوصی به نام «کهور» است.

برای ساخت پایه مبل و دیگر محصولات از چوب سفید، بید یا زردآلو استفاده می کنند. دیگر محصولی که می سازند، چوبه یا وردنه است که وسیله ای برای پهن کردن خمیر در تهیه نان یا رشته است.

(تصویر ۲-۶)

17- یاوری، حسین، کارگاه هنر دستی (۲) (تهران، وزارت آموزش و پرورش، رشته مدیریت خانواده، ۱۳۸۰، ص ۴۳).

ترمه کرمان

(تصویر ۲-۷)

ترمه کرمان

۲-۱-۲-۹- قالی کرمان

قالی کرمان از قدیم به عنوان نفیس‌ترین و ظریف‌ترین قالی ایران و دنیا شهرت داشته که در سالهای اخیر تا حدودی از اهمیت و کیفیت آن کاسته شده است. کرمان پشم بسیار مرغوبی برای قالی‌بافی دارد. نوع آن شبیه پشم خراسان است و از پشم کرمانشاه قدری سبک‌تر و ظریف‌تر می‌باشد ولی چربی پشم کرمان بیش از چربی پشمی است که در نواحی شمال بدست می‌آید. مراکز اصلی تهیه پشم کرمان عبارتند از: بم و رفسنجان.

شهرت قالی کرمان به درآمیزی رنگ و طرح آن است. در تمایز و تشخیص قالی دو عامل طرح و رنگ بسیار مؤثر است و طرح و رنگ قالی کرمان یکی از نفیس‌ترین، زیباترین و خوش سبک‌ترین بافته‌های جهان به شمار می‌آید^{۱۸}.

این شهر و پنجاه شهر و روستا و واحه اطرافش در نواحی استپی واقع شده، و دارای صنعت قالی‌بافی مترقی و پیشرفته است. طبق شواهد این صنعت از عهد صفوی رواج و رونق یافته است. همچون دیگر نواحی ایران، صنعت قالی‌بافی در کرمان نیز در طول قرن ۱۸ رو به زوال رفت و در نیمه دوم قرن ۱۹ احیاء شد. از آن زمان، قالی‌های کرمان خصوصاً آن دسته که دارای طرح سنتی هستند، در بازارهای جهانی بویژه آمریکا شهرت و اعتبار بسیاری کسب

18- زنده دل - حسن - مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی شماره ۱۸ - ترجمه شریف معطوف - تهران انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - چاپ اول - ۱۳۷۷ ص ۱۱۵.

کردند. از بین شهرهای کوچکتر این استان که قالی‌هایشان تحت عنوان کرمان به بازار عرضه می‌شود، می‌توان از ماهان، راور و زرن نام برد^{۱۹}.

نخستین طراحان قالی کرمان، طرحهای خود را از مثالهای کرمانی اقتباس می‌کردند. مشهورترین طرحهای قالی کرمان، طرحهای سراسری مکرر و برتر از همه نقشهای لوزی و چهارگوش با گل و بوته درون هر یک می‌باشد که در سراسر جهان شهرت دارد.

از ویژگیهای نخست قالی کرمانی می‌توان بشاشت و نشاط و زیبایی رنگ را ذکر کرد. علت موفقیت در این زمینه به کار بردن دو مایه در یک نگاره گل بود، یعنی قرمز سیر و روشن، سبز سیر و روشن و آبی سیر و روشن بدون شکل‌بندی یا تعبیین خطوط مرزی.

از دیگر علل اصلی شهرت قالیبافان کرمانی این است که در تهیه قالیهای مطبوع و زیبا بر روی متن‌های کم‌رنگ مهارت و استادی تمام دارند. نکته حائز اهمیت دیگر این است که اخیراً رنگ‌آمیزی پشم قبل از رسیدن آن است در حالی که سابقاً بعد از ریسندگی انجام می‌گرفت. بدین طریق رنگ تا عمل کلاف نفوذ می‌کند و در نتیجه رنگ قالی یکنواخت از کار در می‌آید. از

19- اشنیرنر - اریک - قالیها و قالیچه‌های شهری و روستایی ایران - ترجمه مهشید تولانی، محمدرضا نصیری، تهران - نشر فرهنگسرا (سیا ولی) ۱۳۷۴ ص ۴۰.

این شیوه فقط برای رنگ‌آمیزی قالیهایی که متن ساده دارند و یا مقدار زیادی از متن دیده می‌شود بهره می‌گیرند.

«راور» روستای دور افتاده‌ای در شمال شرقی کرمان است که از ادوار گذشته دارای اهمیت بوده و قالیبافی در آن رواج داشته است. روستایی با بناهای خشتی ابتدایی که بهترین ساخته‌های دستی دنیا را می‌توان در آنجا پیدا کرد.

قدیمی‌ترین نوع قالی را، در ناحیه کرمان می‌توان بدون تأمل به قالیهای راور نسبت داد. بطور کلی قالیهایی که در روستاهای مجاور کرمان یا رفسنجان و راور بافته می‌شود از قالیهایی که در خود شهر تهیه می‌گردد قابل تمیز و تشخیص نیست، چه قالیهایی شهری و روستایی از حیث بافت و جنس مشابه یکدیگرند.

علاوه بر راور، بیجار، رفسنجان، عشایر افشاری و یزد نیز در حوزه قالیبافی کرمان به حساب می‌آیند. (تصویر ۸-۲) و (تصویر ۹-۲)

(تصویر ۱-۳)

قالی پازیریک

(تصویر ۲-۳)

بخشی از قالی پازیریک

(تصویر ۲-۲۶)

قلعه اردشیر و دختر

فصل سوم

قالی و قالیچه کرمان و بررسی طرح و نقش و رنگ آمیز

بخش اول (۱-۳)

کلیات

۳-۱-۱- تاریخچه قالی ایران

فرش ایرانی در اروپا سالیان درازی است که جانشین تمام قالیه‌های شرقی شده است. اگرچه، فرشهای شرقی از قرون وسطی به اروپا صادر می‌شده، ولی مطالعه بر روی این قالیه‌ها یک پدیده نسبتاً جدید به حساب می‌آید. تا قبل از اواسط قرن نوزدهم، هیچ نشریه‌ای در مورد تاریخچه، مبدأ، طرح یا روشهای بافت قالیه‌های شرقی به چاپ نرسیده بود، در اصل تاریخچه فرش شامل چند کتابی می‌شد که قبل از سال ۱۹۰۰ نوشته شده بود. اکثریت قریب به اتفاق کتب بخصوص که در مورد فرش شرقی به چاپ رسیده‌اند از نظر کلی یکی می‌باشند و تعداد کمی از آنها در مورد قالیه‌های ایرانی است.^{۲۰}

20- اشنیر - اریک - قالیه‌ها و قالیچه‌های شهری و روستایی ایران - مترجم مهشید تولانی، محمدرضا نصیری - تنظیم: جواد یساولی - تهران انتشارات فرهنگسرای (یساولی) ۱۳۷۴ ص الف.

تاریخ فرش ایران دارای خلاء بسیاری است و در حال حاضر نیز کماکان با فقدان شواهدی در این زمینه، به شکل مدارک تاریخی مشمول و یا نقاشیهای اصیل قدیمی که فرشهای شرقی را تجسم می‌کند، مواجه هستیم زیرا در قالبها منسوجات و اشیاء مورد استفاده عمرشان بسیار کوتاهتر از مصنوعات هنری دست‌ساز دیگر نظر سرامیک یا فلز می‌باشد. محققین برای شواهدشان بر منابع ادبی اولیه نظیر انجیل، آثار هومر و بسیاری از مؤلفین و نویسندگان دیگری به جهت جبران فقدان شواهد تاریخی مذکور، تکیه کرده‌اند. متأسفانه، آنها با اتکاء به ترجمه‌های موجود اولیه، اغلب به دلیل خطای ترجمه و عدم درک صحیح، گمراه شده‌اند. بی‌فایده نخواهد بود اگر ریشه‌یابی لغت اصلی برای کلمه قالی را در زبانهای اروپایی در نظر بگیریم مثل لغت آلمانی 'Teppich' و لغت فرانسوی 'Tapis'. واژه چینی 'Ta-teug' نیز از لغتی در فارسی قرون وسطی با ریشه «تاب» به معنی «ریسیدن» مشتق شده است.

واژه یونانی به امضام لغات بعدی اروپایی برای فرش، نیز از این ریشه قدیمی ایرانی مشتق شده است. واژه‌های یافت شده در انجیل و دیگر منابع قدیمی نیز بیشتر به منسوجات بافته شده اطلاق می‌گردد تا به قالیهای گره‌دار. این در مورد قالی باغ معروف به «بهار خسرو» که سالن بارعام در تیسفون را

می‌پوشانید و سنگهای گرانبها و زری روزی طلا و نقره را شامل می‌شد نیز صدق می‌کند. اولین فرشهای بافته شده که هنوز پابرجا هستند در Altai در Tarimbasin یافت شده‌اند. متأسفانه به جز فرش پازیریک قطعات بجا مانده، تکه‌های کوچکی هستند که امکان بازسازی آنها از آن قطعات وجود ندارد. تکه‌های مقبره لو- لان که در برابر تجزیه و تحلیل کامل فنی قرار گرفته‌اند نشان داده‌اند که پشمشان از نژاد گوسفندانی است که امروزه فقط در قفقاز یافت می‌شوند. بنابراین جدای از قالی پازیریک که تاریخ آن به قرون ۴-۵ قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد و تکه‌های مقبره لو- لان که به قرون ۲-۳ پس از میلاد برمی‌گردد، فاقد شواهد دیگری از قالی ایرانی هستیم. خوشبختانه، قالی پازیریک با بافت عالی و نقش بسیار جالب که با مهارت طراحی گردیده نشان می‌دهد که بافت آن مستلزم داشتن پشتوانه‌ای فنی و هنری برای چندین سال می‌باشد^{۲۱}.

پس از پیروزی اعراب، زمانیکه سیاحان بیشمار عرب از ایران بازدید کردند، به رغم تعدادشان، میزان کمی اطلاعات نسبت به پیشینیانسان در اختیار ما گذاردند، زیرا سیاحان هیچگونه دانش تخصصی در مورد منسوجات نداشته و

21- همان منبع پیشین - ص الف

به قالیه‌ها به عنوان اشیاء تزئینی می‌نگریستند. فقط از اواخر قرن چهارم است که قالیه‌های طراحی شده با تصاویر مینیاتوری را می‌یابیم.

ک. اردمن نیز همین عقیده را دارد، او نوشت، تمام قالیه‌های مینیاتوری متعلق به دوره مغولها می‌باشد. و ما نمی‌دانیم که قالیه‌های ایرانی در طی دوران سلجوقیان چگونه بوده‌اند.

عقیده، که امروز عموماً پذیرفته شده است، ما را به این نتیجه‌گیری می‌کشاند که انواع فرش ایرانی احتمالاً از قرون ۱۶ الی ۱۷ در دسترس طراحان ترک که وظیفه و شغلشان بافت نسخه‌های کمابیش دقیق از قالی ایران بوده قرار داشت که این امر شاید به این دلیل باشد که نسخه‌های اصلی صدمه دیده بودند.

۳-۱-۲- تاریخ قالی دستباف ایران

فرش ایران دارای تاریخی بسیار طولانی است، در ایران از دیوباز بافتن انواع فرش متداول بوده و انگیزه‌های اجدادی داشته است. نوشته‌جات مورخان، جهانگردان، جنگجویان و آثار مکشوفه از گذشتگان گویای آن است که فرشبافی به صورت هنری دستی و مردمی و روستایی و عشایری در ایران سابقه بس دراز دارد.

پروفسور «رودنکو» کاشف «فرش پازیریک» معتقد است. قالی مذکور که کار مردم ماد یا پارس (خراسان بزرگ) است. توجه به نقش‌های مشابه و هم‌زمان این فرش در ستون‌های تخت جمشید نیز این نظریه را تأیید می‌نماید.^{۲۲}
(تصویر ۱-۳) و (تصویر ۲-۳)

آثار دیگری از جمله نقاشیهای برخی هنرمندان قرون وسطی حاوی نقش قالیهایی است که گفته‌اند بافت ایران بوده است. علاوه بر این سالنامه قدیمی چینی «سویی» مربوط به سالهای ۵۹۰ - ۶۱۷ میلادی قالی را در ردیف کالاهای ایران بشمار آورده است. و برخی مورخان در مورد حمله رومیان به ایران و غارت دستگر قالی را از جمله غنایمی که در این غارت بدست آورده شده قید نموده‌اند و نیز منابع یونانی از قالیهای زربفت ایران یاد کرده‌اند. «فرش بهارستان» با آن همه هنرمندی که تایید روایات مختلف در بافت آن بکار رفته بوده اگرچه گاه در تعریف از آن راه اغراق پیموده شده اما خود نشانگر پیشرفت صنعت فرشبافی و صنایع جنبی آن از جمله طراحی، رنگرزی در ایران قدیم می‌باشد، کتاب «حدودالعالم» نوشته شده در قرن سوم هجری بافتن فرش در منطقه فارس را تأیید می‌کند.

22- دانشگر - احمد - فرهنگ جامع فرش یادواره «دانشنامه ایران» تهران - انتشارات یادواره اسدی - ۱۳۷۶ - ص ۱۴۳.

فردوسی شاعر گرانقدر، در شاهنامه از فرش به عنوان یکی از هدایایی که شاه کابل برای سام پدر زال می فرستاد یاد می کند.

...وزان زنده پیلان هندی چهار همه جامه و فرش کردند بار ...

عصر مغول یعنی قرن هفتم هجری را می توان دورانی بس غم انگیز برای انواع هنر ایرانی دانست و پس از آن قرون ۱۰ و ۱۱ هجری را که عصر صفویان است زمان شکوفایی طبع هنری مردم ایرام باید بشمار آورد. هنرمندان با اغتنام فرصت از آدامش و محیط مساعدی که بوجود آمده بود عمر گرانبهائی خود را بر سر ارتقاء سطح کیفی هنر و صنایع دستی نهاده اند و با ابداع طرحها و نقشه های زیبا و هنرمندانه جایگاه این صنایع بویژه فرش را به حد اعلی خود رسانیده اند و نام ایران را در سراسر جهان با آثار خود پرآوازه ساخته اند. با توجه به اهمیت عصر صفویه در اعتلاء هنر ایران و توجهی که در این زمان به صنعت قالی بافی مبذول شده جا دارد به این عصر و وضعیت هنرمندان و قالیبافی آن مشروح تر بپردازیم.^{۲۳}

(تصویر ۸-۲)

قالی کرمان

(تصویر ۹-۲)

23- همان منبع پیشین ص ۱۴۴.

بخشی از قالی کرمان

بخش دوم (۲-۲)

معماری کرمان

۲-۲-۱- معماری استان کرمان

استان کرمان یکی از مهمترین و زرخیزترین استانهای ایران می باشد و همانطور که در تاریخ می خوانیم استان کرمان تا قبل از ظهور اسلام یکی از پرنعمت ترین و آبادترین استانهای ایران بوده ولی بعد از اسلام این شهر مورد تاخت و تاز بسیاری از پادشاهان و حکام قرار گرفته است. شهر باستانی کرمان که تاریخ مدون آن تا دوران اشکانی عقب می رود و البته پیش از آن نیز دارای قدمت و ارزش تاریخی بوده است و در حکم نقطه اتصال میان بنا در دریای عمان و شهرهای شمالی و غربی گویرهای جنوب شرقی ایران محسوب می شود راههای ارتباطی این حدود را می توان به نخهایی تشبیه کرد که از بنادر عمان مثل عباس، میناب، چهابهار، و از شهرهای شرقی مثل سیستان و شهرهای غربی مثل شیراز شروع می شوند و در کرمان به هم می رسند و دوباره از کرمان شروع شده و به شکل پروانه به یزد و اصفهان یاراور، راین یا طیس و هرات منتهی می شده اند. و کرمان نقطه اتصال این راهها بوده است.

از آن جهت که بارندگی در این ولایت پهناور در سال به طور متوسط از ۱۲ سانتی متر تجاوز نمی کند طبعاً درآمد محدود آن باید از طریق مبادلات تجاری و سیستم راههای ارتباطی تأمین شود.

به همین دلیل از ارکان عمده این مجموعه بناها در کرمان خصوصاً در شهرهای واسط مثل سیرجان و بم وراور عموماً ایجاد کاروانسرا است.

و ساختمان مهم دیگری که در این قرار دارد آب انبار بوده. این آب انبارها مثل آب انبار خواجه در یزد و یا آب انبار گنجعلیخان در کرمان چندان ذخیره داشته که مردم شهر می توانسته اند برای دو و یا سه ماه و گاهی شش ماه از جهت مصرف محدود آن به آن اتکاء کنند.

حمام، که احتیاج عمومی را از جهت نظافت و بعضی تکالیف مذهبی تأمین می کرده است. بازار، رابطه میان کاروانسرا منبع کالاهای صادراتی و وارداتی و میان مردم عامه و طبقات مصرف کننده بشمار می رفته است. و از دیگر این بناها می توان مسجد، مدرسه و مقبره ها را نام برد. که در طول تاریخ کرمان چند فرمانروای مقتدر توانسته اند چنین مجموعه هایی بنا کنند. و اینک به شرح مختصری از چند بنای تاریخی کرمان می پردازیم.

۱-۱-۲-۲- گنبد جلیه

در منتهی‌الیه شرقی شهر کرمان گنبدی است هشت ضلعی که تماماً از سنگ می‌باشد. به جزء قسمت بالای آن که از آجر ساخته شده. از قدمت و تاریخ ساخت آن اطلاع دقیقی در دست نیست و عده‌ای آن را مربوط به دوران پیش از اسلام و از بناهای زرتشتی و گبری می‌دانند از سبک معماری آن استنباط می‌شود که بنای مذکور مربوط به اواخر دوره ساسانی است که در اوایل اسلام تعمیر و مرمت شده یا اینکه در اوایل اسلام با الهام از معماری ساسانی بنا گرفته است. نظم هندسی و معماری آن بی‌نظیر است. (تصویر ۲-۱۰)

۲-۱-۲-۲- گنبد مشتاقیه (سه گنبد)

گنبد مشتاقیه که به سه گنبد نیز شهرت دارد. سه گنبد بر روی سه مقبره به

نام مشتاق علیشاه، شیخ اسماعیل و کوثر علیشاه بنا گردیده است. از آثار دوره

قاجاریه است. (تصویر ۲-۱۱)

(تصویر ۲-۱۰)

گنبد جبلیه

(تصویر ۲-۱۱)

گنبد مشتاقیه

۲-۱-۲-۳- مسجد جامع

مسجد جامع کرمان یکی از زیباترین بناهای دوران اسلامی کشور است که

تاریخ ساخت آن به روایت کتیبه سردر آن به سال ۷۵۰ هجری قمری یعنی

دوران حکومت امیر مبارزالدین محمد مظفر میبیدی، سر سلسله خاندان آن

مظفر بنا شده است.

این مسجد در زاویه دو ضلع بازار مظفری واقع شده و سه در ورودی که

مسجد را از جنوب غربی به بازار قدمگاه، از شمال به خیابان شریعتی و از

شرق به میدان مشتاقیه متصل می‌کند.

بنای مسجد چهار ایوانی است. طول صحن مسجد ۶۶/۵ متر و عرض آن ۴۹ متر و مساحت آن ۳۲۵۸/۵ مترمربع است. مصالح به کار رفته در آن آجر، گچ و سنگ و کاشی است. از ویژگی‌های این بنا برجسته بودن قسمت‌هایی از کاشی کاری‌هاست اما نباید فراموش کرد که مقرنس کاری‌های بالای سردر نیز در نوع خود بی‌نظیر است. زیباترین قسمت بنا از لحاظ کاشی کاری معرق محراب و سردر شرقی مسجد است. (تصویر ۲-۱۲)

۲-۱-۲-۲- مدرسه ابراهیم خان

این مدرسه به فرقه شیخیه تعلق دارد. پلان آن به شکل مستطیل و دوطبقه است. تاریخ بنا و تزئینات آن به سال ۱۲۳۰ هـ ق برمی‌گردد. بلندترین و زیباترین بادگیر کرمان و برج ساعت آن با کاشیکاریها و گچ‌بریهای چشم‌انداز زیبایی را پدید آورده است. (تصویر ۲-۱۳)

(تصویر ۲-۱۲)

مسجد جامع

(تصویر ۲-۱۳)

مدرسه ابراهیم خان

۲-۲-۱-۵- شاهزاده حسین جوپار

از ویژگی های جوپار، وجود آرامگاه شاهزاده حسین فرزند حضرت امام موسی بن جعفر و برادر حضرت امام رضا (ع) در این شهر است که میعادگاه عاشقان خداجوست. آرامگاه شاهزاده حسین مربوط به دوره صفویه که در دوره قاجاریه تعمیر و تکمیل شده است. مقبره شاهزاده حسین از صحن، حرم، گنبد، رواق و دوزائرسرا تشکیل شده است. زائرسرای قدیمی در دو طبقه بنا شده و ۱۲ اتاق دارد. زائرسرای دوم حدود ۲۰ سال پیش ساخته شده و ۴۰ اتاق دارد در جوار زائرسرا بازارچه ای وجود دارد که جزو موقوفات حرم می باشد. رواق اطراف حرم با کاربرندهای زیبا دارای جالب ترین تزئینات بناهای تاریخی منطقه است. کاشی کاری سفید و فیروزه ای مقبره که در دوران صفوی ساخته شده، زیبایی خاصی به این بنا بخشیده است. (تصویر

۲-۱۴) و (تصویر ۲-۱۵)

۲-۲-۱-۶- مزارشاه نعمت الله ولی (ماهان ۸۴۰ هـ. ق)

مجموعه شاه نعمت‌الله ولی در شش فرسنگی کرمان قرار دارد. هرچند قسمت عمده آن متأخر است ولی ابتدای آن مربوط می‌شود به زمان حکومت تیموریان در کرمان و نخستین قسمت آن در ۸۴۰ هجری ساخته و مخارج آن توسط خاندان بهمنی دکنی (هندوستان) پرداخت شده است. شامل بناهای متعددی است که مهمترین آنها ورودی، صحن، حسینیه، کاروانسرا، رواق، حرم، مرقد، گنبد، چله‌خانه، آرامگاه شاه خلیل و مقابر متعدد است. این بنا از قرن هشتم هجری برجای مانده و در دوره صفویان و قاجاریه اجزایی به آن افزوده شده و به صورت کنونی درآمده است. (تصویر ۱۴-۲)

(تصویر ۱۴-۲)

شاهزاده حسین چوپار

(تصویر ۱۵-۲)

نمای دیگری از شاهزاده حسین چوپار

(تصویر ۱۶-۲)

مزار شاه نعمت‌الله ولی ماهان

۲-۲-۱-۷- مسجد ملک (امام)

این مسجد یکی از قدیمی‌ترین مساجد کرمان و شاید ایران باشد که در عهد سلاطین سلجوقی (ملک تورانشاه) ساخته شده و قسمتهای مختلف آن در زمان وکیل‌الملک (۱۲۸۵ هـ.ق) مرمت و بازسازی شده است. (تصویر ۲-۱۷)

۲-۲-۱-۸-۲-۲ باغ شاهزاده ماهان (ماهان ۱۲۹۸ هـ.ق)

باغ شاهزاده یکی از عالیترین و زیباترین باغ‌های سنتی ایران محسوب می‌شود. این باغ در نیم فرسنگی ماهان قرار دارد بوسیله عبدالحمید میرزا فرمانروای کرمان در اواخر دوره قاجاریه بنا گردیده است.

این باغ دارای سردر ورودی بسیار زیبا، عمارت شاه‌نشین و حمام است. از قسمتهای ارزشمند این باغ، شبکه آب رسانی و حوض‌های آن است که در محور مرکزی باغ قرار دارد، بازسازی باغ شاهزاده بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۰ همزمان با برگزاری کنگره خواجه‌ی کرمانی انجام شد. (تصویر ۲-۱۸)

۲-۲-۱-۹-۲-۲ یخدان مؤیدی

صاحب این یخدان فردی بنام مؤیدالدین ریحان از کارگزاران حکومت کرمان بوده است. پلان یخدان دایره‌ای و پوشش آن از خشت و ملاط رس است و به صورت گنبدی بزرگ نمایان است. (تصویر ۲-۱۹)

(تصویر ۱۷-۲)

مسجد ملک (امام)

(تصویر ۱۸-۲)

باغ شاهزاده ماهان

(تصویر ۱۹-۲)

یخدان مؤیدی

۲-۲-۱-۱۰- حمام یا چایخانه سنتی وکیل

در سال ۱۲۸۰ هـ ق به شکل بسیار جالب با اسلوب مهندسی معماری عصر
زندیه - قاجاریه بنا شده و یکی از حمامهای تاریخی سنتی و باستانی کرمان
می باشد امروزه این حمام به چایخانه تبدیل شده است. (تصویر ۲۰-۲) و

(تصویر ۲۱-۲)

تصویر (۲۰-۲)

حمام یا چایخانه وکیل

(تصویر ۲۱-۲)

حمام یا چایخانه وکیل

۲-۲-۱-۱۲- موزه مردم شناسی حمام گنجعلی خان

حمام گنجعلی خان یکی از قدیمی ترین حمام های موجود کرمان است که در سال ۱۰۲۰ ه.ق. به فرمان گنجعلی خان حاکم وقت کرمان ساخته شده است. این حمام مجموعه ای زیبا از هنر و معماری عصر صفویه (قرن یازدهم) با کاشیکاریها، نقاشیها، گچبریها و مقرنسکاریهای بسیار بدیع است. و براساس تقسیمات طبقاتی آن زمان ساخته شده و هر غرفه مخصوص یک طبقه اجتماع (سادات، روحانیون، خوانین، اعیان، بازاریها و رعایا) بوده است. این حمام امروزه به عنوان موزه مورد بازدید قرار می گیرد و مجسمه های مومی ملبس به لباسهای سنتی مردم کرمان صحنه هایی از استحمام به شیوه سنتی و وسایل مختلف حمام را به نمایش می گذارند. (تصویر ۲-۲۲)

۲-۲-۱-۱۳- بازار اصلی کرمان

این بازار بزرگ از میدان ارگ شروع و به میدان مشتاقیه ختم می شود از غرب به شرق نام بازارهای آن عبارتند از: بازار ارگ، بازار گنجعلی خان، بازار اختیاری، بازار سرداری، بازار وکیل، بازار عطاری، بازار قدمگاه و بازار مظفری. بازار کرمان از بناهای یاد بود با معماری عهد ساسانی است. سقف بازار از پشت بام شعبه های نیم کره ای است که به طرف بالا محدب و گنبدی شکل می شوند. طول این بازار حدود ۱۲۰۰ متر می باشد. (تصویر ۲-۲۳)

(تصویر ۲-۲۲)

موزه مردم‌شناسی حمام گنجعلی خان

(تصویر ۲-۲۳)

بازار کرمان

۲-۲-۱۴- کتابخانه ملی

در سال (۱۳۰۸ هـ.ش) با سرمایه‌گذاری تعدادی از ممالکان کرمان، یزد و رفسنجان به عنوان کارخانه رسیدگی و بافندگی احداث شد. در زمان محمداشاه پهلوی کارخانه ورشکست و متروک شد و پس از مدتی بلااستفاده ماندن در زمین لرزه دهه ۱۳۶۰ نیز به شدت آسیب دید. اما در سال ۱۳۷۰ و همزمان با برگزاری کنگره جهانی خواجه بازسازی و مرمت شد و به عنوان کتابخانه ملی در اختیار محققان و دانشجویان قرار گرفت. این کتابخانه در زمینی به وسعت ۴۰۰۰ مترمربع بنا شده است. و سردر ورودی زیبای آن با تزئینات آجری ساخته شده است. (تصویر ۲-۲۴)

۲-۲-۱۵- تخت درگاه قلی بیگ

واقع در جنوب شرقی کرمان و سنگ قبر آن در عهد صفوی نوشته شده و منسوب به درگاه قلی بیگ است. (تصویر ۲-۲۵)

۲-۲-۱۶- قلعه اردشیر و دختر

قدیمی ترین اثر تاریخی قبل از اسلام که در شهر کرمان بر فراز صخره‌هایی از سنگ قرار گرفته و بنای باقی مانده از آن مایه شگفتی هر بیننده است. این قلعه بازمانده معبد آناهیتا در آن منطقه است که از قدمت و تاریخ دقیق آن اطلاعی در دست نیست. (تصویر ۲-۲۶)

(تصویر ۲-۲۴)

کتابخانه ملی

(تصویر ۲-۲۵)

تحت درگاه قبلی بیگ

۳-۱-۳- قالیه‌های دوران صفوی

فرشهای دوران صفویه را می توان مربوط به دو گروه زمانی دانست. (با - نم) اول: قالیه‌های بافته دشه در دوران سلطنت شاه اسماعیل و شاه طهماسب که به شاه طهماسبی معروف است و خود مکتبی خاص دارد که به همین نام شهرت یافته. شاه طهماسب (۹۸۴-۹۳۱ هـ. ق) همواره به تشویق هنرمندان و قالیبافان می پرداخت و خود از هنر بهره داشت و حتی نوشته اند، رنگرزی می دانست و مستقیماً طراحی می نمود و بافندگان را راهنمایی می کرد. از این جهت در زمان پادشاهی او انواع صنایع ظریفه بویژه قالی بافی راه ترقی پیمود و در طرح آن تغییرات کلی بوجود آمد، قالیه‌های ترنج دار

جانشین آن گروه از قالیهایی شد که تا اواخر قرن ۹ هجری در ایران بافته می گردید و بعداً به طرح مغولی و تیموری شهرت یافت و علاوه بر قالیهای ترنج دار در این دوره بافتن قالیهایی با طرح حیوان دار و شکارگاه متداول شد.^{۲۴}

«در متن روشن فرش یک درخت سه شاخه بافته شده که دارای شاخههایی متعدد می باشد. پایین درخت پرندگان، ماهی های مختلف، در داخل یک دریاچه کوچک قرار گرفته اند. حیوانات دیگر مانند طاووس - کبک - خروس - بوقلمون، لک لک، مرغابی و غیره نیز دیده می شود. روی شاخه های درخت پرندگان مختلف و آشیانه شان بچشم می خورد. این درخت دارای میوه های گوناگون مانند سیب - گلابی و انواع انگور می باشد. حاشیه اصلی روی زمینه سفید دارای ده دایره است که چهارتای آنها در چهار گوش فرش و بقیه در میان

بخش دوم (۲-۳)

قالی کرمان

۳-۲-۱- کرمان و قالی بافی

«قالیهای کرمان از جهت طرح دارای انواع بسیار متفاوتند و به همین سبب در گذشته به چندین مرکز مختلف قالیبافی نسبت داده می شدند. اما در

^{۲۴} - همان منبع پیشین ص ۱۴۴

حقیقت آنها همه دارای ساختاری مشترک و متعلق به منطقه ای واحدند. این موضوعی بود که در نمایشگاهی به عنوان «قالیهای مرکزی ایران» توسط بانو دکتر «می بیتی» مطرح گردید، و در آن نمایشگاه شمار زیادی قالی و پاره قالی از همین زمره گردآوری شده بود. مبنای قالیبافی با گره و خامه و (پرز) بر این است که: هرگز خواه نامتقارن - فارسی باف - و خواه متقارن - ترکی باف باشد، با خامه پرزدار، یعنی تار ریسیده از نخ، کرک، پشم، یا ابریشم بر چله (تار عمودی و عموماً طولی دار قالیباف) و نیز بر پود آن (یعنی نخ با رشته افقی و عموماً عرضی دار) گره یک تار نامتقارن - یا گره روتاری - متقارن می خورد، تاجی افقی از گره ها بر پود سراسری بسته شود، و سپس بر روی آن رج گره زنی دیگری رو به بالای دار آغاز گردد. در این کار از خامه یا اصطلاحاً گوشت قالی - پرزی بر سطح قالی نیز ایجاد گردد که پس از پایین آوردن قالی از دار زیادی نامرغوب آن پرز را با قیچی یا تیغ مخصوص می زنند و پرداخت می دهند.

لیکن باید خاطرنشان شود که در اجرای این روشهای گوناگون و شگردهای محلی و قومی بسیار به کار می رود، از جمله: در فاصله هر رج گره چند پود انداخته شود، قالی با چند نوع گره بافته شود، دار عمودی (ایستاده) کاربرد خواهد داشت. یا دار افقی (خوابیده و عموماً ایلیاتی) خامه نخ، کرکی،

پشمی انتخاب خواهد شد یا ابریشمی، پرز به چه میزان بر سطح قالی باقی خواهد ماند، فاصله میان چله ها و کشش آنها چگونه باید از پیش تعیین گردد؛ انتهای تارها و پودها به چه ترتیب لبه دوزی و بر جا محکم شود؛ زربفت کاری یا سوزندگی بر متن قالی با چه شگردهای مطمئنی به اجرا درآید؛ و جزء آن افزون بر این همه، البته از نظر دور آنها تقسیم شده است در داخل دایره ها صورت های اشخاص از ملل و نژادهای مختلف با لباسهای محلی نقش گردیده و بین دایره ها تعداد بیشمار حیوانات گوناگون بافته شده است. گوئی تمام فرش یک نقشه علوم طبیعی می باشد.

رنگها: یاقوتی سیر - یاقوتی روشن - نارنجی - نارنجی روشن - قهوه ای سیر - قهوه ای روشن، شتری - خاکی - سیاه - سرمه ای - آبی - آبی روشن - آسمانی - سبز - زیتونی سیر - زیتونی - عاجی.^{۲۵}

۳-۱-۴- قالی های شاه عباسی

«قالیهای بافته شده در زمان شاه عباس که به مکتب شاه عباسی معروف است در این دوره با اغتنام فرصت از وجود هنرمندان عصر نقشهای جدید بویژه با استفاده از اسلیمی ها و گلهای مخصوص بوجود آمد برخی طرحهای قالی در مکتب شاه عباسی عبارتند از: طرح ترنج دار یا لچک ترنج (تصویر ۳-۳-

^{۲۵} - آزادی - سیاوش - فرش ایران - ترجمه انگلیسی: روبرت یئر - تهران - چاپ: افیسن هارتونگ

۳) طرح درختی (تصویر ۳-۴) طرح شکارگاه (تصویر ۳-۵) طرح گلدانی (تصویر ۳-۶)

روشهای اصلی بافتن فرش در طول قرون و اعصار پس از صفویه چندان تفاوت و تغییری نکرده و حتی امروزه نیز اصولی را که در آن زمان برای بافت فرش ابداع گردیده کمی تکامل یافته تر بکار می برند و طرحها نیز کم و بیش اصل یا تکامل یافته همان طرحهایی است که هنرمندان دوران صفویه پی ریزی کرده اند یا در بین روستائیان و عشایر نسل به نسل و متکی بر اصالت آن ادامه یافته است.^{۲۶}

(تصویر ۳-۴)

طرح درختی

(تصویر ۳-۵)

طرح شکارگاه

تصویر (۳-۶)

طرح گلدانی

نمی ماند که مرکز قالیبافی، همان گونه که هر ایل و قبیله ای، نیز ویژگیهای فنی و سنتی متمایزی را معمول می دارد و عموماً می کوشد که از آنها

^{۲۶} - دانشگر - احمد - فرهنگ جامع فرش یادواره «دانشنامه ایران» ص ۱۴۴

تختی نکند. ساختار متمایز قالیهای صفوی بافت کرمان عبارت بوده است از: گره نامتقارن (فارسی باف) با خامهٔ پشمی، که در مراکز بافندگی شهری دورهٔ صفوی، خصوصاً کرمان، عمومیت داشت.

(تصاویر

(تصویر ۷-۳) (تصویر ۸-۳)

دو نوع گره نامتقارن (فارسی باف)

و این به خلاف گره متقارن (ترکی باف) بود که بعداً در بافت شهرهای شمال غربی و برخی از گروه های ایللیاتی معمولی گردید.

(تصویر ۹-۳)

گره متقارن (ترکی باف)

دیگر از ویژگیهای قالیهای صفوی بافت کرمان اینکه سه پوده بودند، با پود اول و سوم گره از نخ، و پود میانی از ابریشم نازک، که با حرکت موجی از میان چله به دو سطح پشت و روی قالی می دوید و در زیر گره های خامه - یا گوشت قالی - پنهان می ماند. در زمینه این گروه قالیهای طرح گلدانی به کار برده می شد، تا جایی که طرح گلدانی سه پودی در میان بعضی از پژوهشگران اروپایی همچون «اسلوب بافندگی کرمان» به شناسایی درآمد. نتیجه بافت یاد شده در بالا آشکار شدن خطوط نخ نمای متوازی بر قالیهای

کهنه کرمان است که کاملاً مشهود می افتد و چیزی نیست جز همان دو پود نخی جانبی بدون ابریشمی میانی شان. روش فوق با اندک تغییرات هم اکنون نیز در ناحیه کرمان اجرا می شود.

قالیهای کرمان می بایست از شهرت بسیار خوبی برخوردار بوده باشند، زیرا ضبط تاریخ است که در دوره فرمانروایی امپراطور اکبر گورکانی (۹۶۴ تا ۱۰۱۳) آنها را به هند صادر می کرده اند.

در ۱۶۰۴ میلادی (۱۰۱۲ هـ. ق) سیاحی پرتغالی به نام «پدروتشیرا» قالی بافت کرمان را در درجه دوم مرغوبترین قالیهها رده بندی کرده و اظهار داشته است: «... خوش نقش ترین، ریزبافته و گرانبهاترین در یزد و درجه سوم از قالیهای مرغوب در خراسان تولید می شده اند. بسیاری از وقایع نگاران اظهار داشته اند که بسیاری از قالیهای بافت ایران بخصوص کرمان از طریق ترکیه به اروپا صادر می شده است.^{۲۷}

تحسین انگیزترین قالیهای منسوب به کرمان مجموعه متعلق به پرنس «رومن سانگوشگو» است که به همین نام شهرت جهانی یافته و ممتازترین نمونه را در خود محفوظ داشته است. (تصویر ۳-۱۰). این یک از شاهکارهای قالیبافی دوران صفوی به شمار می آید. نقش ترنج آن شبیه است به همان قالیهای

^{۲۷} - همان منبع پیشین - ص ۱۲۷

سده دهمی مرتبط با نامهای شاه اسماعیل و شاه طهماسب که شرحشان گذشت، لیکن شیوه طراحی و رنگهای آن به کلی تفاوت دارد.

داخل ترنج چهار جفت هیاکل آدمی در شمسه های چهار سمت آن جایگزین شده اند، و نیز درون یک اسلیمی دور قلبی که دایره مرکزی ترنج را تشکیل داده است جانورانی در حال پیکار مشاهده می شوند. صحنه های دیگری از پیکار جانوران بر زمینه قالی نقش بسته که از دیرباز چون مضمونی تمثیلی در ارائه تضاد میان نیک و بد در سراسر مشرق زمین شایع بوده است. ضمن اینکه سوارکارانی نیز گوشه های قالی را عرصه تاخت و تاز خود قرار داده اند. شمسه های دالبری حاشیه حاوی نقش حوریان و درگیریهای جانوران و جفت طاووسهای رودررو هستند و اطرافشان را قفسها و اژدهایان پیچان پر ساخته اند.^{۲۸}

(تصویر ۳-۱۰)

قالی نقش ترنج «سانگوشو» با حیوانات، اواخر سده دهم ه. ق.

منطقه کرمان ۶۰۴×۳۲۲ سانتی متر. مجموعه پرنسس «رومن سانگوشکو» پاریس

^{۲۸} - همان منبع پیشین ص ۱۲۷

قالی سرشار از رنگهای شاداب و نقشمایه های پر جنب و جوش است. و همراه با قالیهای دیگری از همان دست احتمالاً در سالهای پایانی سده دهم یا آغازین سده یازدهم بافته شده اند. این تاریخگذاری ملهم از نقش معرقکاری درون پشت بغلیهای^{۲۹} در کاروانسرای گنجعلی خان بازار کرمان، که کتیبه ای با تاریخ اتمام بنا به سال ۱۰۰۶ هـ. ق دارد. نقشمایه های معرق در این پشت بغلها شباهت آشکار دارند. خصوصاً حوری درون شمسه دالبری - با بسیاری از آنچه در قالی سانگوشکو به کار رفته است همچنین مقایسه شود، مثلاً، میان پیکارهای ققنس و ازدها در معرقکاری با نظایرشان در حاشیه قالی مورد بررسی (تصویر ۳-۱۱) همان گونه که شباهت میان طراحی دیگر جانوران هیچ مدرک معتبر دیگری قابل قیاس با این معرقکاری برای تأیید انتساب و تاریخ گذاری قالیهای کرمان در هیچ مکان یا مورد دیگر مشهود نیفتاده است. گنجعلی خان دوست و متحد قدیمی شاه عباس بود، در ۱۰۰۴ هـ. ق والی کرمان شد، و آن شهر را به صورت مرکزی معتبر و پررونق درآورد و به چندین بنای ممتازش بیاراست، و تجارتش را توسعه داد.^{۳۰}

طرح مشهور دیگری که به گروه قالیهای گلدانی و سه پودی کرمان تعلق دارد، در پاره قالی (تصویر ۳-۱۲) نشان داده شده است. در نگاه نخست چنین

^{۲۹} - [پشت بغل: سطح بنایی واقع در میان منحنی برونسوی قوس با قاب چهارگوش درگاه]
^{۳۰} - همان منبع پیشین ص ۱۲۷

می نماید که متن قالی را پراکندگی تصادفی - یا نامنضبط - نقشمایه های گلسرخی، برگ نخلی، شاخه و پیچکی، و نیز تک گلدانهای جدا افتاده پر کرده است. لیکن دقت بیشتر معلوم می سازد که زمینه دارای سه مجموعه مختلف از نگاره هاست که در سه گروه شاخه ها محدود گردیده و تشکیل شاکهای منظمی را داده اند. که در اصطلاح فنی طرح «بندی» خوانده می شود. یک قاب کاشیکاری دیواری در مسجد جمعه کرمان دارای ترکیب بندی نقوش مشابهی است. بر خلاف معرقکاری کاروانسرای گنجعلی خان، تعیین تاریخ این کاشیکاری حتی به تقریب کار آسانی نیست. زیرا مسجد جمعه کرمان چندین بار از زیر تعمیرات بیرون آمده است. شایان توجه اینکه نقش قالی فوق نیز در دیگر نقاط ایران ناشناخته بوده، و معلوم می شود که آن در واقع اختصاص به مجموعه نقشهای قالببافی حوزه کرمان می داشته است پاره قالی یاد شده (تصویر ۳-۱۲) احتمالاً نمونه ای برجامانده از نیمه دوم سده دهم هجری است، و نقشی چنان سرزنده و آذرخش آسا دارد که در قالیهای بعدی کرمان دیگر تالی آن دیده نمی شود، خصوصاً که نقشمایه های سراسری شان بیشتر حالت آرامش و صفا می یابند. نمونه های ممتاز قالیهایی از این دست، اگر هم با قالی های طرح جانوری و طرح شکارگاه آن دوران

همطراز بناشند باز جزو شاهکارهای هنر قالیبافی عصر صفوی به شمار می آیند.

طرحهای باغی و منظره های طبیعی نیز در بافت گروه قالیهایی معروف به گلدانی سه پودی در کار گرفته می شد. قالی (تصویر ۳-۱۳) با نقش پرجنبش و جولان خود همچون منظره جنگلی که از دیدگاه پرنندگان آسمان و از میان ریشه پیچهای حلزونی به تماشا درآمده باشد، توصیف یافته است. تاریخ بافت در نیمه اول سده یازدهم تخمین زده شده است.

قالی دیگری از آرایش رسمی و عمومی باغ ایرانی پیروی می کند ۰ تصویر ۳-۱۴ که در آن جویبارها و حوضچه های حاوی ماهی و اردک پهلوی درختان شکوفه دار جایگزین شده اند. پرنندگان رنگارنگ بر سر شاخسارها در کار پیراستن پر و بال و جانوران درنده به زیر درختان پرسه زدن هستند. «ف.ر.مارتین» که یکی از اولین تاریخهای قالیشناسی مشرق زمین را نگاشته است، این قالی را تالی حی و حاضر آنچه که «... می بایست بهارستان خسرو ساسانی بوده باشد» دانسته است. قطع نامعمول قالی تقریباً مربع است و همچنین نقطه کانونی نقش که در مرکز متن قرار نگرفته، می تواند دلالت بر این کند که هدف نهایی بافتن قالی بسیار بزرگتری بوده که تا این اندازه اجرا شده و هرگز به اتمام نرسیده است. این اظهار نظر هم به میان آمده است که

قطع مربع بیشتر مناسب با سفارشات برای قالی به اندازه های اتاق چهارگوش اروپایی بوده، و نه مطابق با قطع مستطیل معمول در روال قالیبافی ایران. طراحی نسبتاً سست حیوانات، و ترکیب بندی بیش از حد متراکم متن نمایانگر و ویژگیهای قالیهای متعلق به اواخر سده یازدهم است. قالیهای با نقش ردیفهای گیاهان پرنجچه و شکوفه (تصویر ۳-۱۵) احتمالاً در سالهای آخر سده یازدهم یا اوایل، حتی پیشرفته، سده دوازدهم / هیجدهم تولید شده اند. بهره گیری از نقش افشان گل و شکوفه در پارچه بافی آن زمان نیز رواج بسیار داشت. باز مشاهده می شود که همین گونه نقش گیاهان در تزئین قالیها و پارچه های هند آن دوران به کار می رفته است، اگرچه در هند آن سرزمین اجرای نقشها با گرایش بیشتر به طبیعت گرایی انجام می گرفته است.

طرح دیگری از قالیهای کرمان «بندی نام دارد - که عبارت است از نوعی شباک بندی چهار بر یا دایره وار به گرد هر واحد تصویری و تکرار موزون آن واحد در سرتاسر زمینه به منظور تثبیت نقشمایه ها بر جا و تنظیم طرح کلی در قالی همانند نمونه ای از «بندی دسته گل» که در (تصویر ۳-۱۶) مشاهده می گردد. برخی از قالیهای بافته با این طرح را می توان متعلق با تاریخ پیشرفته تری چون میانه سده دوازدهم دانست. تخته ای از چین قالی دارای

تاریخ نقش بسته بر کتیبه: ۱۱۷۲، و همچنین نام بافنده آن: استادکار محمد شریف کرمانی است.

فرشهایی به سنت صفوی تا سالیانی چند پس از سقوط آن سلسله در ۱۱۴۸ هنوز بافته می شد یعنی در دوره ای که عموماً عاری از هرگونه جنبش و کامیابی هنری در ایران ارزیابی شده است. اکنون تنها یک قالی کرمانی دیگر با نقش گلدانی و کتیبه رقم زده در حیطة بحث ما قرار می گیرد. طرح آن چند ترنجی [یا شاید ترنج در ترنج باشد] و دارای سه کتیبه است که تصریح می کنند. بافنده اش استادکار نامدار مؤمن فرزند قطب الدین ماهانی است، و تاریخ بافتش سالهای ۱۰۶۶ و ۱۰۶۷ بوده است.

چندین پاره قالی نیز باقی مانده اند که گمان می رود به طور از هم جدا برای تولید یک قالی بزرگ تعبیه شده بودند. اخیراً حاصل جمع اندازه های آن قطعات با مساحت حرم نورالدین نعمت الله در ماهان برابر شناخته شده است. بافنده آن قطعات چنانکه از نامش برمی آید باید از افراد خانواده ای محلی باشد، که آنها را در کارگاه همان شهر برای حرم متبرک امامزاده بافته بوده است. ماهان هنوز صاحب سنتی پایدار است در بافتن فرشهایی که همطرازند با تولیدات مرکز کرمان.

(تصویر ۳-۱۶)

۳-۲-۲-

قسمت چهارم - قالی افشاری کرمان

رو به بخش شرقی تر ایران در ایالت کرمان چند قبیله دیگر ترک نژاد سکونت دارند. بزرگترین اینها ایل افشار، یا شاخه ای از افشارهای یاد شده است که با گروهی از شاهسونهای شمال غربی ایران پیوند خویشاوندی یافت. چندین می نماید که در سده دهم شماری از تیره های این قوم به جنوب کوچانده شدند، و احتمالاً چندی بعد در سده دوازدهم که نادرشاه افشار به قدرت رسید خویشاوندان خود را گروه گروه به نقاط دور افتاده از هم منتقل ساخت تا از قدرتشان کاسته شود. قالی افشار بیشتر چون نامی عمومی برای انواع فرشبافتهای ناحیه کرمان به کار برده می شود، بدون در نظر گرفتن این واقعیت که چندین تیره دیگر از جمله بوچاقچی و قوتلو به طور مسلم می بایست تولید کننده بعضی از آنها بوده باشند. هنوز در زمینه تخصیص دادن انواع چنین فرشها به قبایل و تیره های تولیدکننده شان پژوهشی چنانکه باید صورت نپذیرفته است.^{۳۱}

بسیاری از نقشمایه های این زمره فرشها بخشی از فهرست غنی طرحهای ترکی به شمار می آیند، ولی بعضی دیگر نیز خاستگاه در سنت فرشبافی

^{۳۱} - همان منبع پیشین ص ۱۴۵

شهری کرمان دارند، که کلا مشتق بوده است. از قالبی رسمی و دیرین دوره صفوی، و نیز از نگاره های شالبافی که می دانیم از آن جهت در سده سیزدهم شهرت منحصر به فرد داشت. نقش انواع بوته ها محبوبیت بسیار کسب کردند که در فرش و گلیم و خورجین به کار برده می شد.

(تصویر ۳-۱۷)، (تصویر ۳-۱۸)

تصویر (۳-۱۷)

(تصویر ۳-۱۸)

ابزار بافندگی در میان افشارهای کرمان

این فرش دارای بندهایی از درختان شکوفه دار و نقشپرداخته، در ردیفهای منظم و با نمایی بیرون نشسته از زمینه است که شاید بتوان الگوی اصلی آن را در قالبهای سده دوازدهم بازیافت، به همین منوال حاشیه های باریک و خارجی فرش نادر (تصویر ۳-۱۹) مشتق از سرشتهای سنتی و سابقه دارند، ولی حاشیه پهن داخلی با ستاره های هشتپر و شکلهای S مانندش نوعاً ترکی است.

(تصویر ۳-۱۹)

کرمان و حول و حوش آن، قالیچه های طرح حاشیه برای قالی قالی شکارگاه، از حسن خان.

۳-۲-۳- قسمت پنجم - ویژگیهای قالی کرمان

۳-۲-۳-۱- رنگ

رنگ: ماده اصلی که در رنگرزی فرش کرمان به کار می رود، عبارت است از نیل مصنوعی، قرمز دانه، روناس، پوست گردو، اسپرک، پوست انار، برگ مو، کاه، حنا. برای رنگ پذیری کلافها، مثل سایر مناطق ایران، مطلقاً از زاج سفید بهره می گیرند. امروزه رنگها بیشتر شیمیایی و رنگ مورد در فرش، کرم، لاک، سورمه ای، خاکستری می باشد.

۳-۲-۳-۲- پشم

موقعیت اقلیمی کرمان و هوای مطبوع آن موجب رویش پشمی بسیار مرغوب بر بدن گوسفندان می شود که خریدار عمده آن تجار اصفهانی هستند. تار و پود فرش کرمان مانند سایر فرشها از پنبه است. چه مقاومت پنبه در برابر کشش دار قالی بیشتر از پشم است و این مقاومت از انعطاف تارها و در نتیجه شل شدنشان جلوگیری می کند.

۳-۲-۳-۳- گره

«استثنایی که قالی کرمان با قالی سایر مناطق دارد در گره هایی است که در این قالی وجود دارد که به یکه چین یا کمان بالا و یا به اصطلاح محلی، به «کمون بالا» معروف است. در کرمان چهار نوع قالی تهیه می شود که بخش

اعظم آن را ۳۵ جفت یا ۷۰ رجی و ۴۰ جفت یا ۸۰ رجی تشکیل می دهد.
۴۵ جفت یا ۹۰ رجی و ۵۰ جفت یا ۱۰۰ رجی خاص قالیه‌های نفیس کرمان
می باشد.»

۳-۲-۴

د- طرح و نقش: تاریخچه دقیقی برای طراحی نقشه قالی در کرمان در دست
نیست. خاندان مشهور شاه‌رخ‌ی را می توان به عنوان پیشکسوتان هنر طراحی
فرش در کرمان قلمداد نمود. محسن خان شاه‌رخ‌ی، حسن خان شاه‌رخ‌ی،
امیرخان شاه‌رخ‌ی، احمدخان شاه‌رخ‌ی و پسرانش حسین و حسن خان
مشهورترین طراحان کرمان می باشند که طرح‌های حسن خان معروفیت
جهانی دارد. به طور کلی طراح و نقش‌مایه های رایج قالی کرمان گل و گیاه و
درختان است، طرح‌های لچک ترنج، افشان، درختی، قاب قرآنی، بازوبندی،
گردنبندی، خشتی، سلسله ای، شاه عباسی و چهره بافی (تصویری) می باشد.
اکنون به توضیح اجمالی چند نوع از طرح‌های قالی کرمان می پردازیم.

۳-۲-۴-۱

طرح بته ای

طرح بته ای تجدید یافته درخت سرو است یعنی همان بته های سرکجی که
به بته جقه شهرت یافته است معروف ترین طرح‌های بونه ای عبارتند از

(تصویر ۳-۲۰)، (تصویر ۳-۲۱) طرح بته افشاری، طرح بته بازوبندی، طرح بته خرقه‌ای، طرح بته شاخ و گوزن، طرح بته ماهی، طرح بته کرمان، طرح بته بادامی، طرح بته دوقلو، طرح بته میری، طرح بته مادر و بچه، طرح بته شاخ و برگ، طرح بته کاج، طرح بته جقه، طرح بته سنندج، طرح بته محلی، طرح بته کشمیر.

تصویر (۳-۲۱)

۳-۲-۳-۴-۲- طرح درختی

با وجودی که در طراحی قالی اساس کار را شاخه و برگها تشکیل می دهند ولی در طراحی درختی سعی شده است وجه تشابه زیاد با طبیعت حفظ گردد... طرحهای فرعی: درختی، جانوری یا حیوان دار (تصویر ۳-۲۲)، (تصویر ۳-۲۳) درختی سبزیکار (تصویر ۳-۲۴) (تصویر ۳-۲۵) درختی محرابدار (تصویر ۳-۲۶)، (تصویر ۳-۲۷) درختی سروی، (تصویر ۳-۲۸)، (تصویر ۳-۲۹) درختی گلدانی (تصویر ۳-۳۰)، (تصویر ۳-۳۱)

۳-۲-۳-۴-۳- طرح قابی

این طرح از قابهای چند ضلعی بوجود آمده و به قاب قرآنی کرمان معروف است (تصویر ۳-۳۲)

۳-۲-۳-۴-۴- طرح لچک ترنج

این گونه نقشها معمولاً به صورت $\frac{1}{4}$ کشیده و متن قالی در وسط حاشیه ها چهار طرف قرار دارد. شامل یک ترنج در وسط و چهار لچک که در اصطلاح به آنها «گوشه» گفته می شود در گوشه ها قرار می گیرد. (تصویر ۳-۳۳)،

(تصویر ۳-۳۴)، (تصویر ۳-۳۵)، (تصویر ۳-۳۶)

(تصویر ۳-۲۲)

درختی جانوری یا حیوان دار

(۳-۲۳) درختی جانوری یا حیوان دار

قالیچه کرمان اندازه ۱۳۱×۲۰۷ سانتیمتر

تصویر (۲۴-۳) رختی سبزیکار

فرش با نقشه درختی سبزیکار، اندازه ۳×۴ متر.

(تصویر ۳-۲۵) درختی سبزیکار

قالیچه کرمان با طرح دستی سبزیکار - ۱/۳۸×۲/۲۴ متر

تصویر (۲۴-۳) درختی محراب دار

قالی افشاری (شهر بابک) کرمان ۱۴۵×۱۸۶ سانتیمتر

(تصویر ۳-۲۷) درختی محراب دار

نقش درختی (محرابی)، بافت کرمان، اندازه ۲×۳ متر.

(تصویر ۳-۲۸) درختی سروی

قالیچه کرمان با طرح درختی (درختی تلفیقی) ۱/۳۶×۲/۲۱ متر

(تصویر ۳-۲۹) درختی سروی

قالیچه سروی از طرحهای اولیه کرمان

(تصویر ۳-۳۰) درختی گلدانی

قالیچه نقش گلدانی کرمان، مجموعه آباکا(پاناما)، اندازه ۱۶۷×۲۸۲ سانتیمتر

(تصویر ۳-۳۱) درختی گلدانی

(تصویر ۳-۳۲) قاب قرآنی کرمانی

(تصویر ۳-۳۳)

نقش ترنج مرکزی

(تصویر ۳-۳۴)

نقش کلی لچک و ترنج

(تصویر ۳-۳۵)

نقش لچک معروف به دسته گل سعدی،

قالی کرمان

(تصویر ۳-۳۶) قالی ترنجدار کرمان

۳-۲-۴-۴-۴- طرح شاه عباسی

طرح شاه عباسی به سلسله طرحهایی اطلاق می شود که بیشتر عوامل شکل گیری آنها را نگاره ها و نقشهای مرسوم در دوره صفویه و سلطنت شاه عباس تشکیل می دهد. این عناصر و نقشها عبارتند از گلهای چند پر ساده و مرکب، معروف به شاه عباسی و اسلیمی ها نگارههایی به شکل ابرهای چینی، که ما در فرشهای کرمان این نقش را مکرراً می بینیم. (تصویر ۳-۳۷)،

(تصویر ۳-۳۸)

۳-۲-۳-۴-۵- طرح تصویری

(تصویر ۳-۳۸)، (تصویر ۳-۳۹)، (تصویر ۳-۴۰)، (تصویر ۳-۴۱)،

(تصویر ۳-۴۲)

۳-۲-۳-۴-۶- طرح افشان

نقش مایه اصلی این طرح نیز طبیعت است. برگها، گلها، پرندگان، حیوانات به عنوان عناصر اصلی نقوش فرش بر آن افشاندگی می شود. گل و برگهای پراکنده از نگاره های اصلی این نوع فرشند اما هماهنگی رنگها آنها را چون اجزاء یک مجموعه زیبا جلوه گر می سازد مهمترین نقشهای فرعی افشان عبارتند از:

(تصویر ۳-۴۳)، (تصویر ۳-۴۴)

افشان ختائی. افشان شکسته، افشان شانه پیچ، افشان حیوان داره، افشان ترنج دار.

(تصویر ۳-۳۷) نقش شاه عباسی

(تصویر ۳-۳۸) قالیچه تصویری کرمان

قالیچه تصویری کرمان اندازه ۲۷۶×۳۴۸ سانتیمتر، ۳۶ گروه در

سانتیمترمربع

(تصویر ۳-۳۹) قالیچه تصویری کرمان

قالیچه تصویری کرمان (مشاهیر) سلاطین قدیم ایران،

اندازه ۲۷۴ × ۳۶۱ سانتیمتر

(تصویر ۳-۴۰) قالیچه تصویری کرمان

قالی مشاهیر، راور کرمان بافت میلانی کرمان، اندازه ۱۵۲ × ۲۴۳ سانتیمتر

(تصویر ۳-۴۱) قالیچه تصویری کرمان

قالیچه خیام، احتمالاً طرح حسنخان

(تصویر ۳-۴۲) قالیچه تصویری کرمان

قالیچه راور کرمان با طرح تصویری

(تصویر ۳-۴۳) نقش افشان

(تصویر ۳-۴۴) نقش افشان

قالی راور کرمان - نقش افشان سرتاسری قرن ۱۹ میلادی

۳-۲-۴-۷- طرح اسلیمی

می توان اسلیمی را تغییر شکل یافته کلمه اسلامی نامید. این طرح از فرهنگ غنی اسلامی تاثیر پذیرفته است، کراهت از به تصویر کشیدن صورت افراد و گرایش هنرمندان به آرایش و تزئین صفحات کتب و متن پارچه ها، بابرخورداری از نقوش تجریدی گیاهان نیز در قوت این مقوله بی تاثیر نیست.

این عقیده که طرحهای اسلیمی نقوش یافته و گرده ای از حرکت و چرخش جانور افسانه ای اژدها است، معقول به نظر می رسد. در حالت کلی اساساً اسلیمی ها از شاخه و برگها الهام گرفته است و ما در بسیاری از قالبهای

کرمان با این طرحهای زیبا مواجه می‌شویم. (تصویر ۳-۴۵)، (تصویر ۳-۴۶)

(تصویر ۳-۴۸)

(تصویر ۳-۴۵) نقش اسلیمی برگی

(تصویر ۳-۴۶) نقش اسلیمی، ساده یا دوبند

(تصویر ۳-۴۷) طرح اسلیمی

قالیچه طرح اسلیمی، ترنجدار، راور کرمان، پشم، ۱۹۳۰ میلادی،

اندازه ۱۴۳×۲۲۷ سانتیمتر

(تصویر ۳-۴۸) طرح اسلیمی

قالی راور کرمان اواخر قرن ۱۹ میلادی / ۳/۲۳×۴/۳۲ متر

۳-۲-۳-۴-۸ - طرح بازوبندی

«طرح بازوبندی نقشی است گرفته شده از شکل بازوبند یا گردنبند و

کمربندهایی که در گذشته ایرانیان به پهلوانان هدیه می‌کردند. این نقش

معمولا در حاشیه فرشهای طرح هندسی به طور یکی در میان با اشکال دیگر باخته می شود و در متن نیز تکرار می شود.^۱

۳-۲-۳-۴-۹- طرح خشتی

از انواع دیگر نقوش «طرح خشتی» است که این نقش یا به صورت لوزی یا به شکل صاف، در مجموع مثل قالبهای خشت زنی است که داخل آن گل می کشند.

انواع گلها مانند میخک ارغوانی، رز، لاله عباسی، زرد، بنفشه، نیلوفر، زنبق و مخصوصا گل نسترن به صورت تک درخت، چه در قالبیچه و یا قالبی با همان ملایمت و صفایی که در طبیعت دارد، نیز در قالبی کرمان جلوه گر می شود.

۳-۲-۳-۴-۱۰- قالبی کف ساده

«سیر تحول و پیشینه نقش قالبی های کرمان- در این خصوص باید از سه دوره ذکر نام شود.

۳-۲-۴-۱۰- دوره نخست یا عصر ترمه: دوران انتقال ترمه دوزی بر قالبیافی، از حدود سالهای ۱۳۱۵ تا ۱۳۳۰ هـ ق را در بر می گیرد. کاربرد

^۱دانشگر، احمد، فرهنگ جامع فرش، ص ۳۲۷

نگاره تبه و نیز نقش سرو که به نظر بسیاری، منشاء اصلی نگاره تبه است، از جمله نقوش متمایز این دوره است.

۳-۲-۳-۴-۱۰-۲- عصر بازگشت: با پایان یافتن جنگ جهانی اول و تغییر سلیقه بازار در آمریکا، تغییر اساسی در طرحهای کرمان به وجود آمد و نقش و نگارهای صفوی مورد تقلید هنرمندان کرمانی قرار گرفت.

۳-۲-۳-۴-۱۰-۳- عصر گوبلن: به واسطه سلطه جویی طرحهای فرانسوی، به این نام خوانده می شود و این عصر اضمحلال طرحهای کرمانی را به همراه داشت.^۱ (تصویر ۳-۴۹)، (تصویر ۳-۵۰)

(تصویر ۳-۴۹) طرح گوبلن کف ساده

طرح گوبلن کف ساده به دوران رونق قالببافی کرمان نفوذ کمپانیهای خارجی

(تصویر ۳-۵۰) طرح گوبلن کف ساده

طرح گوبلن کف ساده مربوط به دوران رونق قالببافی کرمان و نفوذ

کمپانیهای خارجی

^۱ سیاولی، جواد. مقدمه‌ای به شناخت قالی ایران. ص ۲۴۷